

نابود باد امپریالیسم جهانی
بسرکردگی امپریالیسم امریکا
و پایگاه داخلیش

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

صفحه ۲۲

بهمن ماه ۱۳۶۵

سال هشتم - شماره ۲۰۹

مروری بر مهمترین دروسهای انقلاب

در تاریخچه حیات سیاسی هر ملتسی روزهایی را میتوان یافت که بنا به معنی و اهمیتی گنبد در زندگی مبارزانه ای توده های مردم ایفا نموده اند. بعنوان روزهای فراموش ناشدنی در خاطره تاریخی توده های مردم حادثه می مانند و حاوی درسهای گرانبها و ارزشمند، بسیاری آن مردم اند.

قیام توده های مردم ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ نیز یکی از این روزهای بزرگ و تاریخی است. روزی که توده های ستمدیده و زجر کشیده سلاح بدست، برای سرکشی ستمگران به قیام برخاستند و رژیم سلطنتی را که تضمین ۲۵۰۰ سال ستم و سرکوب توده ها بود سرنگون کردند و گور سپردند. اما اهداف توده های مردم در انقلاب به سرکشی رژیم شاه محدود نبود. تحقق این اهداف مستلزم یک

در صفحه ۲

رسانای سبانهکل

۲۲ ←

پیام

سازمانهای مترقی و انقلابی

بمناسبت سالروز

بنیانگذاری سازمان



سیمای شهرها در زیر بمبارانهای هوایی

شش هفته بمباران مداوم شهرها و مناطق مختلف دهها هزار کشته و مجروح، هزاران ساختمان مخروبه و دهها هزار آواره برجای گذارد. گرچه تداوم جنگ ارتجاعی در هر شکل و با هر حدت و شدتی، برای کارگران و زحمتکشان شری چهر گشتار و ناسودی در بر نداشته و ندارد. اما آنگاه که طرفین درگیر در جنگ برای خلاصی ازین سست جنگ به بمباران شهرها و

در صفحه ۷

شکست نظامی اخیر یک شکست سیاسی بزرگ

شکست فاجعه بار رژیم جمهوری اسلامی در تعرض نظامی اخیر موسوم به کربلای ۵ و ۶ که طی آن نزدیک به ۵۰ هزار تن کشته و چندین هزار سراسر و معلول شدند و سپاه یکمدهزار نفری محمد باکلی منگلی گردید، نه تنها سر آغاز یک مرحله جدید در شکست های نظامی رژیم محسوب میگردد، بلکه یک شکست سیاسی است که در پی خود رژیم را با یک بحران

در صفحه ۶

تکاپو برای تقویت ثقل فرمیسم جدید

اکثریتی های کشتگری
در راستای پوست ایداعسن
فرمیسم و شعوبیست جلدسد
فرمیسم که با منعمه های
سابق کارآشایش را اردست
دادند. مثنی تقویت ثقل
فرمیسم جدید را تحت
عنوان برضطراق وسی معنی
سقوط ثقل انتزاعی
کمونس " دنیااز مکنند.
گزارش سیاسی مصوب پلنوم
عظم کشتگری کسه در
سیامین شماره نشریه شان درج
شده است. در حقیقت فرمیسم
در صفحه ۸

اطلاعیه هیئت تحریریه صدای فدائی

بمناسبت اولین سالگرد حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیونی سازمان

برای برقراری صلحی دمکراتیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی تبدیل کنیم

مروری بر مهمترین درسهای انقلاب

نخستین درس انقلاب ایران همانند نمونه‌های بسیار در تاریخ انقلابات جهانی این بود که طبقات ارتجاعی حاکمه هنگامی که خود را در برابر امواج طوفانی انقلاب می‌بینند نخست به سرکوب و زور برای فرونشاندن انقلاب برمی‌خیزند. اگر توده‌ها در برابر سیاست سرکوب ایستادگی و مقاومت کنند، مرتجعین راه فریب توده‌ها را برمی‌گزینند و سعی می‌کنند با دادن برخی امتیازات و انجام رفرمهای ناچیز، مانع از اعتلا جنبش گردند، و آنرا از مسیر انقلابی منحرف سازند، تا با فرونشستن امواج انقلاب دوباره امتیازات را با زیر کمر کنند و توده‌ها را به عقب نشینی وادارند.

توده‌های مردم ایران در مبارزه علیه رژیم شاه، این درس را خوب آموختند، اسیر فریب‌ها و دسائس مرتجعین نشدند، و به مبارزه خود ادامه دادند.

تلاشهای فریبکارانه رژیم شاه با شکست روبرو گردید، بنابراین با مصطلح آشتی ملی دولت شریف‌امامی چاره ساز نبود. بحران سیاسی پیوسته عمیق‌تر می‌شد، هر روز بخش‌های وسیع شورتاژه‌تری از توده‌های مردم ایران از خواب دیرینه برمی‌خاستند و به انقلاب می‌پیوستند. چنان شرایطی از حدت تضادها پدید آمده بود که تمامی اقشار و طبقات خلق علیه بر منافع مختلف و متضاد متحداً خواستار برافتادن رژیم حاکم بودند، اما علاوه بر اقشار و طبقات خلق که منافعشان در سرنگونی رژیم شاه نهفته بود، اپوزیسیونهای ضد انقلابی مخالف رژیم شاه سر خود را درون حسی می‌انداختند تا با نفوذ در آن و بدست آوردن رهبری حسی در حواسهای توده‌ها را در انقلاب بدک سلسله رزمها محدود کنند.

سوررواری متوسط ایران که بر اثر مصیبات و محدودیتهای اقتصادی و سیاسی سوررواری سرک و رژیم شاه در موضع ایورسیون قرار گرفته بود، مانعی عمده بر سر راه تحول انقلابی حسی بود، سورروازی متوسط ارحلی و مبارزه انقلابی توده‌ها در هراس بود. اراس رو در آغاز از جگری حسی، تمام سلسله و کوشش خود را یکسار گرفت تا با کمرش امتیازاتی به نفع خود با سلطت و حجاج سورروازی بسزرگ سارس کند و خلق را برای سلسله

روبرو گردید که موجودیت وارکسان حکومتش را مورد تهدید قرار داده بود. رژیم شاه برای فرونشاندن این نخستین امواج انقلاب، نیروهای خود را بسرای سرکوب توده‌ها گسیل داشت، اما کارگسر نبود، دامنه اعتراض فرونی می‌یافت و شعله‌های انقلاب سراسر ایران را فرا میگرفت.

سال ۵۷ با رشد و اعتلای مداوم جنبش توده‌ای آغاز گردید، در مرداد ماه سال ۵۷ دیگر دامنه جنبش ارتبیریز تا اصفهان کشیده شده بود، رژیم شاه هراسان اراس رشد سریع و بلاوقفه جنبش تظاهرات مردم اصفهان را به خون کشید و در آنجا حکومت نظامی اعلام کرد تا شاید بدین طریق بتواند رشد و اعتلا جنبش اعتراضی توده‌ای را سد کند، اما سوده‌ها که طی سالها ستمگری رژیم شاه جانشان به لب رسیده بود، آرام نگرفتند و بر دامنه اعتراض خود افزودند. رژیم شاه سلسلی دیگر را در سس گرفت دولت آمورگار سقوط کرد و شریف‌امامی با سرمایه مصطلح آشتی ملی بر سر کار آمد، با اراس روشی رفرم و امتیاز سوده‌ها را وادار به عقب نشینی کند، او میخواست با انجام یکسری رفرم‌های ناچیز اقتصادی و اداری و دادن امتیازاتی به روحانیون مخالف شاه و نیز مخالفین با مصطلح لیبرال او، بحران را تخفیف دهد، و به مردم قول داد که سرت رستاخیز و اطلاق اصناف را محل کند، کاربونها و قمار خانه‌ها را ببندد، تقوسم را بشکل گذشته بازگرداند، به دهقانان وام بدهد، برخی ارزربالهای مسفرورا کنار گذارد، شکنحه‌گران سلسا و اک را محاکمه کند و رتدانستان ساسی را آزاد نماید.

رژیم شاه تصور میکرد که با انجام اس رفرم‌ها و دادن برخی امتیازات قادر است مردم را بد عقب نشینی وادارد، مانع از رشد و اعتلا حسی گردد و سس مانکه موج جنبش فرونشست، اس امتیازات را نارس گیرد، اما سوده‌های مردم ایران، فریب سیریکهای سس حاکمه را نخوردند و به مبارزه خود ادامه دادند.

دگرگونی انقلابی در بنیادهای جامعه و انتقال قدرت سیاسی بدست توده‌های مردم بود، لیکن این امر تحقق نیافت و از همین پرواست که اکنون پس از گذشت ۸ سال تمام از قیام و سرنگونی رژیم سلطنتی برای المین می‌بینیم که هر چند رژیم سلطنتی شاه بر افتاد، اما ستم و استعمار برقرار مانده و ستمگران دوباره بر مقدرات توده‌ها حاکم شدند.

هر کارگر و زحمتکش ایرانی باید از آنچه که طی این انقلاب اتفاق افتاد درسهای لازم را بیاموزد و بداند که چرا و چگونه ستمگران بار دیگر بر سر نوشت و مقدرات آنها حاکم شدند و چرا انقلاب در نیمه راه متوقف ماند؟ تا این بار که برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی به قیام می‌مجدد برمی‌خیزند، یکبار دیگر دستاوردهای انقلابی آنها در مصطلح سرتا را جگری ضد انقلاب قرار نگیرد، انقلاب بتواند به پیروزی قطعی برسد و بسرای همیشه باط ستمگران از ایزان جا روب شود، هر کس که به پیروزی انقلاب می‌اندیشد باید این درسها را به خاطر بسپارد و در قیام قریب الوقوع آنها را دقیقاً یکبار بندهد.

توده‌های مردم ایران که طی سالهای متمادی در معرض ستمگریها و فشارهای طبقات ستمگرو ارتجاعی قرار گرفتند، بیوندند، با آغاز نیمه دوم دهه پنجاه ربر فشارهای فزاینده اقتصادی و سیاسی به مبارزه آشکار و علنی، سخت وجدی علیه ستم ستمگران حاکم بها خاستند. در سال ۱۳۵۶ ظلمه‌های یک بحران ژرف آشکار گردید و خشم انباشته و متراکم شده توده‌ها طی سالها و قرتنها، علیه ستمگران منفجر گردید. توده‌های مردم بیبا خاستند تا خورد را از قید ستم و بندگی، تحمل فشارها و مصائب متعدد اقتصادی و سیاسی رهائی بخشند. عمر تطلعات انقلابی آغاز گردید و مردم به انقلاب برخاستند، زمستان سال ۵۶ با نخستین امواج اعتراضات توده‌ای در برخی شهرها، بشکل تظاهرات، با تاش کشیدن سانسها، شرکتها، فروشگاههای بسزرگ، سسده‌های حزب رستاخیز شاه، این مراکسر سس اقتصادی و سیاسی بر توده‌ها، آغاز گردید. رژیم ارتجاعی شاه که طی چندین سال دوران رکود و آرامش در زندگی توده‌ها ایران را جزیره شبات و آرامش نام نهاده بود، به یکباره با جزیره‌ای طوفانی



اطلاعیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بهمن است سائر روز قیام و سیاهکل

کارگران! دهقانان! سربازان! روشنفکران انقلابی!

۱۹ بهمن هفدهمین سالروز حماسه ۳ فریبی فدائیان خلق درسیاهکل، رور بنیانگذاری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و ۲۲ بهمن نهمین سالروز قیام قهرمانانه و حماسی توده‌های مردم ایران علیه رژیم شاه و سرنگونی آن فرارسیده است. در تاریخچه حیات سیاسی و زندگی مبارزاتی هرملتی لحظاتی است که جاودانه می ماند و رویدادهایی است که هیچگاه از خاطره ها محو نمی گردد. تاریخچه مبارزات توده‌های مردم ایران نیز آکنده از چنین لحظات و رویدادهای برجسته‌ای است که هر یک درجای خود نقش مهمی در زندگی مبارزاتی و حیات سیاسی مردم ایفا نموده‌اند.

در این میان بهمن ماه که هرروز و هرلحظه آن یادآور قهرمانی و مبارزه دلورانه توده‌های مردم ایران است بیش از هرچیز با این دورویداد بسیار برجسته و دارای اهمیت تاریخی مشخص میگردد.

بزرگداشت این هردورویداد، بزرگداشت مبارزه قهرمانانه خلقی است که در سراسر تاریخ پر فراز و نشیب خود هیچگاه دست از مبارزه علیه ستمگران برنداشته و سنت افتخارآمیز مبارزه را همچنان رسیده نگهداشته است.

قیام مسلحانه ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ که یکی از فصول درخشان در تاریخچه حیات سیاسی مردم ایران است، در عین حال که عزم بولادین و اراده آهنین این خلق و قدرت نابزال آنرا در مبارزه علیه ستمگران تاریخ نشان میدهد، یاد آور این واقعیت نیز هست که در برابر قدرت توده‌هایی که علیه ستمگران بپا می خیزند، هیچ نیروی حتی سازمان یافته‌ترین و عظیم‌ترین دستگا‌های نظامی و سرکوب طبقات حاکمه نیز توان مقاومت و ایستادگی را نخواهد داشت. ۲۲ بهمن بیانگر اوج ابتکار انقلابی و تلاش خلقی است که بخاطر برانداختن حکومت ستمگران، کسب آزادی و دموکراسی، شرایط زندگی بهتر، برانداختن سلطه جابرانه و ستمگرانه امپریالیسم از ایران و ایجاد یک حکومت دموکراتیک و خلقی، علیه یکی از ستمکارترین حکومت‌های تاریخ بشریت به قیام مسلحانه برخاست و رژیم سلطنتی شاه را که مظهر ۲۵۰۰ سال ستمگری شاهان در ایران بود، ارای در آورده و گورستان تاریخ سپرد.

اما دریغ که علیرغم تمام قهرمانی و ار خودگذشتگی توده‌های مردمی که به‌صدام مسلحانه برخاستند، ضعف‌آگاهی و اعتماد ناشی از زود باوری که خود نتیجه استبداد و دیکتاتوری سالیان دراز در ایران بود، سبب گردید که سرمایه‌داران و عموم مرتجعین زمام امور را همچنان در دست خود نگاهدارند و یک جمهوری ارتجاعی بنام جمهوری اسلامی به مردم تحمیل شد. بنا بر این نه فقط خواستهای مردم در انقلاب تحقق نیافت بلکه آنچه را که توده‌های مردم با قیام و اسکا را سنجیدنی خود بدست آورده بودند، از آنها با ز پس گرفته شد و دوباره سپاه‌ترین و عربیان‌ترین دیکتاتوری و اختیای برابران حاکم گردید و هرگونه آزادی سیاسی از مردم سلب شد. شرایط مادی زندگی توده‌ها نه تنها بهبود نیافت بلکه وخیم تر گردید. فقر ابعاد دولتاکی بخود گرفت، شکاف میان فقیر و ثروت عمیق تر و وسیع تر گردید و بی عدالتی اجتماعی باز هم بیشتر شد.

سلطه امپریالیسم و وابستگی اقتصادی نه تنها برنیافتاد، بلکه تشدید گردید. در کنار این همه معائب اجتماعی، معائب ناشی از جنگ نیز شرایط زندگی مردم را دشوارتر نمود. جنگی که بی‌سار ۶ سال عظیم‌ترین فشارهای مادی و معنوی را بر توده‌های مردم ایران تحمیل نموده، هرروز قربانیهای تازه‌ای را می طلبد، و هر رور فشار بیشتری را به مردم وارد می آورد.

امروز پس از گذشت هشت سال از قیام ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ کارگران و رحمتکنان ایران و عموم توده‌های ستمدیده با چنان شرایط سخت و دشواری روبرو هستند که طی سالیهای اخیر هرگز سابقه نداشته است.

این شرایط اسفبار و غیرقابل تحمل راه دیگری جز مبارزه برای سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت دیکراتیک و انقلابی در برابر مردم ایران قرار نمی دهد. توده‌های مردم ایران نمیتوانند از این همه فجایع و محاسنی که جمهوری اسلامی بیار آورده است، نجات یابند مگر آنکه یکبار دیگر به قیام مسلحانه متوسل گردند. بدون یک پیام مجدد برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری دیکراتیک خلق و سپاه‌های پیرو در اوضاع صورت نخواهد گرفت بلکه روز بروز وضع وخیم تر خواهد شد. قطعاً خلقی که به‌صدام ۲۲ بهمن برای سرنگونی رژیم شاه متوسل گردید، ننگ بقا، جمهوری اسلامی را نیز تحمل نخواهد کرد و بار دیگر به سامی دست خواهد زد که تمام محاربت کدشده سرطانی بکار گرفته خواهد شد.



قیام ۲۲ بهمن ۵۷ نتوانست منجر به پیروزی قطعی انقلاب و تحقق خواسته‌های سوده مردم گردد، چراکه رهبری انقلاب در دست طبقه کارگر، این انقلابی ترین طبقه جامعه قرار نداشت و قدرت سیاسی همچنان در دست سرمایه داران و عموم ستمگران و استثمارگران باقی ماند. این امر بار دیگر این واقعیت را با شواهد رساند که برای پیروزی قطعی انقلاب رهبری طبقه کارگر و در دست گرفتن قدرت سیاسی توسط کارگران و دهقانان و عموم زحمتکشان ضروریست.

قیام ۲۲ بهمن ۵۷ به استقرار یک حکومت دمکراتیک در ایران نیا انجامید، چرا که ماشین بوروکراتیک - نظامی و سرکوب نهاد مردم شکسته نشد، توده‌های مردم ایران در قیام آینده خود باید این تجربه را بکار گیرند، تمام ماشین ستمگری و سرکوب را درهم بکوبند و با ایجاد شوراهای انقلابی و تسلیح عمومی خلق به اعمال حاکمیت و دفاع از دست آوردهای انقلاب بپردازند.

در قیام ۲۲ بهمن ۵۷ توده‌های مردم ایران که از روی ناآگاهی و زودبازی به دارو دسته مرتجع خمینی اعتماد کردند، این بار باید این تجربه را عمیقاً بکار بندند، تنها به سازمانی اعتماد نکند که در عمل همه جا وفاداری خود را به آرمانهای انقلاب نشان داده و اکنون نیز از برنامه و اهدافی که بتواند تحولات انقلابی - دمکراتیک را عملی سازد، دفاع میکند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که مبارزه خود را در راه آرمان کارگران و زحمتکشان ایران در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ با حمله مسلحانه به پاسگاه سپاهک آغاز نمود، طی شانزده سال حیات سیاسی و فعالیت مبارزاتی خود چه در دوران رژیم شاه و چه در دوران رژیم جمهوری اسلامی لحظه‌ای از مبارزه در راه تحقق آرمانهای توده‌های زحمتکش غفلت نکرده است. سازمان ما وفاداری خود را به آرمانهای کارگران و زحمتکشان و دفاع از منافع عموم ستمدیدگان تحت هر شرایطی نشان داده و حتی در سخت‌ترین و دشوارترین شرایط به مبارزه علیه ستمکاران ادامه داده است. در سراسر دوران حیات سازمان، مرتجعین پیوسته کوشیده‌اند تا با ایجاد موانع متعدد بر سر راه فعالیت سازمان و کشتار و به بند کشیدن رفقای ما در فعالیت مبارزاتی سازمان خللی ایجاد کنند، اما هیچگاه قادر نبوده‌اند سازمان ما را از ادامه فعالیت بازدارند. طی چند سال گذشته هزاران تن از رفقای سازمان ما در راه آرمانهای انقلابی کارگران و زحمتکشان جان باخته و هزاران تن دیگر هم اکنون در سباجالهای فزون و سطلانی دزخیمان جمهوری اسلامی به بند کشیده شده‌اند. کارنامه مبارزاتی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بر هیچ‌کس پوشیده نیست. صحت موضعگیریهای سازمان ما نیز چه در دوران رژیم شاه و چه در دوران رژیم جمهوری اسلامی بر همگان عیان و آشکار است. سازمان ما در زمره نخستین سازمان‌هایی بود که بر ماهیت فداانقلابی و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی انگشت گذارد، به مبارزه علیه آن برخاست و عموم سیاستهای ارتجاعی آنرا افشاء نمود.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بعنوان یگانه سازمانی که از منافع و آرمانهای طبقه کارگر ایران دفاع میکند و اساساً در جهت برانداختن استثمار و نظام طبقاتی و ایجاد یک جامعه کمونیستی مبارزه می نماید، در مرحله کنونی انقلاب نیز از موضع طبقه کارگر از منافع عموم زحمتکشان و ستمدیدگان دفاع میکند و خواستار یک حکومت انقلابی و دمکراتیک و اجرای مطالبات پرینامیه حداقل سازمان که تا همین کننده خواستها و منافع عموم توده‌های مردم است می باشد. سابقه مبارزاتی سازمان، صحت و حقانیت موضعگیری‌های سازمان، و برنامه انقلابی سازمان بهترین رهبر چریک کارنامه سیاسی سازمان و نقش آنرا در مبارزه بخاطر آرمانهای کارگران و زحمتکشان، نشان میدهد.

کارگران! دهقانان! سربازان! روشنفکران انقلابی!

برای سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، برای رهایی از سرنگام معاشی که این رژیم تبهکار بسیار آورده است و استقرار جمهوری دمکراتیک خلق، حول پرچم سرخ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، برنامه و اهداف آن، متشکل شوید!

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - سرنگون باد جمهوری دمکراتیک خلق
 نابود باد امپریالیسم جهانی - سرنگون باد امپریالیسم آمریکا و پاکاد داخلی

ر سده باد سوسیالیسم

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

نهم ماه کهراروسم و شصت و پنج



اطلاعیه هیئت تحریریه صدای فدائی بمناسبت اولین سالگرد حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیوئی سازمان

یک سال پیش در چهارم بهمن ۱۳۶۲ یک توطئه خیانتکارانه از سوی باند مزدور و خائن مطلق مدنی - حامد شیبانی با حمایت و پشتیبانی بورژوازی و کلیه دشمنان سوگندخورده طبقه کارگر بر علیه سازمان ما به مرحله اجرا درآمد، و صدای فدائی بانگ رمای کارگران ایران مورد حمله مسلحانه قرار گرفت. در جریان این توطئه ۳ تن از رفقا اسکندر، کاوه و حسن در دفاع از مرکز رادیوئی سازمان به شهادت رسیدند. انگیزه ها و علل اصلی این توطئه را باید در عیب و هراس بورژوازی از آگاهی و تشکل کارگران و نقشی که صدای فدائی در این زمینه ایفا نموده است جستجو نمود. از هنگامیکه صدای فدائی فعالیت خود را آغاز نموده است تلاش آگاهانه گسترده ای را علیه نظم ارتجاعی و استثمار سرمایه داری حاکم بر ایران، رژیم جمهوری اسلامی و افشاء دوستان دروغین خلق سازمان داد.

برنامه های تبلیغی و ترویجی صدای فدائی در زمینه های دمکراتیک و سوسیالیستی نه فقط نظام سرمایه داری موجود و رژیم جمهوری اسلامی را بمشابه پاسدار این نظام آماج حملات خود قرار میداد بلکه توأم با آن کلیه سازمانها و جریانها را لیبسبال و رفرمیست و ناپیگیری عموم جریانات غیر پرولتری را بی رحمانه افشاء میکرد. ناگفته روشن است که این نقش آگاهانه صدای فدائی در میان توده های مردم بویژه طبقه کارگر ایران نمیتوانست واکنش خصمانه بورژوازی و همه کسانی که حیات شکنج خود را در ناآگاهی توده ها می بینند برنشانگیزد. از همین رو است که از مدتها پیش رژیم و حتی اپوزیسیون بورژوازی منجمله سازمان مجاهدین خلق و حزب دمکرات کردستان ایران، تبلیغات وسیعی را علیه صدای فدائی سازمان داده بودند. از این رو در میان بورژوازی حاکم و اپوزیسیون در مبارزه علیه سازمان ما و خاموش کردن صدای فدائی، وحدت نظری و عملی وجود داشت.

تلاش همه آنها این بود به هر شکل ممکن این ابزار آگاهی بخش طبقه کارگر ایران را از آن بگیرند. توطئه حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیوئی سازمان یک توافق همگانی جریانات مختلف بورژوازی علیه سازمان بود. شایدهرآن ایام برای عده ای از افراد ناآگاه با کسانی که در بطن مسائل قرار نداشتند با توجه به حجم تبلیغاتی که بورژوازی و عوامل رنگارنگ آن علیه سازمان براه انداخته بودند درک این رابطه و نقشی که اتحادیه میهنی بعنوان جانشین اصلی باند مزدور مدنی - شیبانی از سوی بورژوازی حاکم و بورژوازی اپوزیسیون ایران ایفا نمود، مشکل بود. اما از همان هنگام که درک توطئه گرانه اشغال سال مسلحانه مرکز فرستنده رادیوئی سازمان توسط این باند با شکست روبرو شد و افراد مسلح اتحادیه میهنی مرکز رادیوئی سازمان را اشغال نمودند، مانع از پخش برنامه های صدای فدائی شدند و سپس همه امکانات سازمان را نیز به تاراج بردند، برهانشان اندک آگاه و انقلابی روشن بود که این یک توطئه حساب شده علیه سازمان است که باند مدنی - شیبانی در آن مرفا نقش آلت دست و ابزار اعمال سیاستهای هستند که در پشت آن جمهوری اسلامی و سازمانهای بورژوازی ایران قرار دارند. این واقعت هنگامی بیشتر آشکار گردید که بلافاصله پس از آنکه سازمان علیه رگم تلاشهای همه جانبه بورژوازی مجدداً یک مرکز فرستنده رادیوئی دیگر دایر نمود و صدای فدائی فعالیت خود را آغاز کرد، اتحادیه میهنی یک مرکز فرستنده رادیوئی در اختیار مردوران خود قرار داد که بنام "صدای فدائی" برنامه پخش کنند.

هرچند که این تلاش بورژوازی نیز با شکست مواجه گردید چرا که صدای فدائی با مواضع انقلابی سازمان شناخته شده است، و روشن بود رادیوئی که بخواهد بنام صدای فدائی، اپورتونیسیم و سازش طبقاتی و خط بورژوازی سازمان مجاهدین خلق و حزب دمکرات و امثالهم را تبلیغ نماید در میان توده های مردم رسوا و افشاء خواهد شد. این وقایع مصادف بود با زمانی که اتحادیه میهنی دست اتحاد بسوی جمهوری اسلامی دراز کرده و اولین بده و بیستانهای خود را از حمله علیه اپوزیسیون جمهوری اسلامی آغاز کرده بود. از این رو سازمان ما در اطلاعیه های خود این حقیقت را افشاء نمود و گفت: بیرونی تحولی که در منطقه صورت خواهد گرفت حقیقت پیوند این توطئه مسلحانه را با وحدت اتحادیه میهنی کردستان و جمهوری اسلامی نشان خواهد داد.

گذشت چند ماهی کافی بود که از یک سو وحدت جمهوری اسلامی با اتحادیه میهنی کردستان و توأم با آن وحدت این سازمان با مترجمین حزب الدعوه و قباذه موقت علنی گردد و از سوی دیگر محدودیتها و مواضعی که اتحادیه میهنی بر برراه فعالیت کردستان سازمانهای سیاسی ایران علیه جمهوری اسلامی پدید آورد، نشان دهد که نزدیکی اتحادیه میهنی کردستان با جمهوری اسلامی نمی توانسته است بدون توافق برای سرکوب سازمانهای ایرانی و محدودیت فعالیت آنها صورت بگیرد، و نقشی که اتحادیه میهنی کردستان در اتحادیه جمهوری اسلامی در جریان حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیوئی ایفا نمود بر همگان آشکار و عیان گردد.

اکنون پس از گذشت یک سال از توطئه چهارم بهمن، نه تنها نقش بورژوازی و دارودسته اپورتونیسیت خاش و مزدور مدنی - شیبانی که به جیره خواران تحت الحمایه اتحادیه میهنی تبدیل شده اند کاملاً آشکار شده است بلکه تداوم فعالیت صدای فدائی نشان داد که بورژوازی و عوامل رنگارنگ آن به هر تلاش مذسوحانه ای که متوسل گردند قادر نخواهند بود سازمان ما را از ادامه فعالیت و مواضع انقلابی اش بازدارند.

ما در جهت تحقق آرمان طبقه کارگر و حفظ استقلال طبقاتی آن محکم و استوار ایستاده ایم و به مبارزه بلاوقفه خود در این مسیر ادامه خواهیم داد و هیچ مانعی قادر نخواهد بود سازمان ما را از مبارزه در راه هدف سترگی که در برابر خود قرار داده است باز دارد.

سرتگون سادرم جمهوری اسلامی - برقرار ساد جمهوری دمکراتیک خلق

رشد ساد سوسالسم

هشت تحریر صدای فدائی - چهارم بهمن ما دمکپراروس سدر صب و پنج

شکست نظامی اخیر یک شکست سیاسی بزرگ

سیاسی بسیار عظیم روبرو خواهد ساخت. این تعرض نظامی که در پی تلاشهای طولانی مدت جمهوری اسلامی برای بسیج هر چه بیشتر نیروی انسانی و تدارک تبلیغاتی و تجهیزات نظامی صورت گرفت و بسیج ارتش یکمدهزار نفری محمد و فرید سلاح از آمریکا و اسرائیل که تنها جزئی از تدارک گسترده ای بود که صورت گرفته بود، در حقیقت همان تعرض گسترده بود که رژیم از مدت‌ها پیش وعده انجام آنرا به همگان داده بود. این تعرض نظامی که میبایستی همزمان در سه جبهه جنوبی، مرکزی و شمالی آغاز گردد و با اشغال بخشی از خاک عراق از جمله بصره و استقرار یک حکومت دست نشانده جمهوری اسلامی با یک پیروزی سیاسی پایان یابد، تبدیل به یک شکست نظامی - سیاسی گردید.

ابعاد این شکست تا بدانجا است که حتی سران رژیم رانیز و ادار به اعتراف نمود و رفتن جانی که تا پیش از این شکست از اشغال عراق و سرنگونی رژیم حاکم بر این کشور سخن میگفت ادعا کرد که هدف ما اشغال بصره نیست بلکه می‌خواهیم ماشین جنگی عراق را از بین ببریم. اولین حمله نظامی که بانام عملیات کربلای ۴ و از طریق تعرض یک موج وسیع انسانی در جبهه جنوب آغاز گردید در همان لحظات اول بدون اینکه بتواند حتی اندکی پیروزی نظامی بدست آورد سریعاً با شکست روبرو گردید، و تمام واحدهای آن متلاشی شدند. رژیم جمهوری اسلامی بلافاصله حمله نظامی دیگری را به نام عملیات کربلای ۵ در جبهه جنوب و عملیات کربلای ۶ را در جبهه مرکزی آغاز نمود که علیرغم پیروزیهای بسیار محدود در این دو جبهه این هردو تعرض نیز با تلفات سنگین رژیم جمهوری اسلامی شکست روبرو شد.

با شکست تعرضات نظامی رژیم در سه جبهه جنوبی و مرکزی، عملیاتی که سیاسی از جبهه شمالی نیز انجام گیرد متوقف ماند. بدین طریق رژیم جمهوری اسلامی در تعرضی که از مدت‌ها پیش وعده آنرا به همراه یک پیروزی بزرگ داده بود با شکست تمام و کمال روبرو

گردید. از این رو شکست رژیم در تعرض نظامی اخیر یک شکست نظامی کوچک و ناچیز نیست بلکه یک شکست نظامی بزرگ، یک شکست سیاسی محسوب میگردد.

رژیم جمهوری اسلامی مدتهای مدید برای این تعرض به بسیج و گردآوری نیرو پرداخته بود و تا سرحد ممکن دست به بسیج و سازماندهی نیروی انسانی برای این تعرض زده بود. رژیم مدتها تلاش کرد تا ارتش را تجدید سازماندهی کند. با زور و تهدید و تطمیع توده‌های مردم را بسوی جبهه‌های جنگ گسیل داشت، در زمینگیه تبلیغات نیز تلاش مستمری صورت گرفته بود و واسطه و تجهیزات لازم را برای این حمله تدارک دیده بود. رژیم تمام امکانات اقتصادی و مالی خود را در خدمت این تعرض قرار داده بود. مناسبترین شرایط جوی را که ارتش عراق نتواند از برتری نیروی هوایی، زرهی و توپخانه خود استفاده کند بمنوان لحظه مساعد حمله انتخاب کرده بود و بانام این اوضاع با شکست روبرو گردید.

از این رو این شکست یک شکستی اهمیت کوچک نیست، بلکه یک شکست بزرگ نظامی محسوب میگردد که شکستهای نظامی دیگری رانیز در پی خواهد داشت. اما آنچه که در این شکست رژیم حائز اهمیت است نه صرفاً جنبه نظامی آن بلکه شکست سیاسی و عواقب آن بصورت یک بحران سیاسی بسیار عظیم است. همانگونه که گفته شد هدف رژیم جمهوری اسلامی در تعرض نظامی اخیر، اشغال بصره و استقرار یک حکومت دست نشانده و در یک کلام یک سروری سیاسی بود. رژیم نتوانست این هدف سیاسی خود بدست یابد اما ااراس مسئله مهمتر با شکست نظامی و سیاسی سرارامع داخلی رژیم است.

رژیم جمهوری اسلامی در سراسر کنونی با اوضاع اقتصادی حیران و وحشتناک روبرو است که در سراسر دوران حیاتش سابقه نداشته است. درست در مجموع این بحران اقتصادی همه امکانات اقتصادی جامعه را در خدمت جنگ قرارداد است. هزینه‌های سرسام آور جنگ و خامخت بحران اقتصادی را تشدید نموده است. جمهوری اسلامی امبدوار بود که با شکست پیروزی نظامی در جبهه‌های جنگ به اوضاع و خیم اقتصادی خود سروامانی بدهد. بعلوه نارضایتی شدید مردم از ادامه

جنگ و تضادهای درونی رژیم در زمره عوامل دیگری بودند که رژیم بخاطر مقابله با آنها به چنین پیروزی نیاز داشت. تحت تاثیر همین عوامل بود که سران جمهوری اسلامی از مدت‌ها پیش وعده پایان جنگ توام با یک پیروزی را تا پایان سال جاری داده بودند. اما نه فقط پیروزی بدست نیامد بلکه تعرض گسترده با یک شکست نظامی و سیاسی همراه بود. نه تنها جنگ به پایان نرسید بلکه ابعاد وسیع تری بخود گرفت و جنگ شهرها نیز بدان افزوده شد.

جمهوری اسلامی برای جبران شکست خود مجدداً در پی یک تعرض جدید برآمده است. و برای اینکه خود را از مخمصه موجود برهانند در تلاش است تا بار دیگر دست به یک حمله نظامی بزند. از همین رو پس از تلاشی و انهدام سپاه یکمدهزار نفری محمد تلاش‌های مذبحوانه‌ای را آغاز نموده تا نیروی دیگری را بانام سپاه مهدی سازماندهی و تجهیز کند و هر چه سریعتر به جبهه‌های جنگ بفرستد و تعرض جدید خود را آغاز کند. ناگفته روشن است که اگر رژیم در تعرض اخیر خود با تمام تدارکات، تجهیزات و نیروی انسانی آموزش دیده با چنان شکست مفتضحانه‌ای روبرو گردید که سپاه یکمدهزار نفری محمد بکلی منهدم گردید، سر نوشت تعرض آینده آنرا ز هم اکنون روشن است. شکست مجدد.

اما به هر رو رژیم در چنان وضعیت و خیمی قرار گرفته است که خود را ناگزیر به یک تعرض جدید می بیند هر چند که خود سیر از پیش به این شکست واقف است و این شکست ها قطعاً تاثیر خورادر وضعیت داخلی رژیم برجای خواهد گذارد و آنرا با یک بحران داخلی بسیار و خیمی روبرو خواهد ساخت.

بحران اقتصادی با زهم عمیق تر و ارهم گسیختگی و ناسامانی اقتصادی به نهایت خود خواهد رسید. توده‌های مردمی که در انتظار پایان یافتن جنگ نایابان سال جاری هستند توام با این شکست‌های رژیم و ادامه جنگ بردامنه مباررات خود خواهند افزود. نیروهای که در جبهه‌های جنگ سیر می‌برند و در انتظار خاتمه جنگ تا پایان سال جاری هستند با ادامه جنگ و شکست‌های پی در پی رژیم به مبارزه‌ای جدی تر علیه رژیم روی خواهند آورد. موج نارضایتی، نافرمانی و عصیان در صفحه ۱۸

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مباررات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خفتهای ایران



سیمای شهرها

در زیر بمبارانهای هوایی

مناطق غیر نظامی روی می آورند، سمیت و درنده خوشی سرمایه به عربانی در معرض دید توده ها قرار میگیرد. ریختن بمب بر سر کودکان، زنان و مردان برای دست بالا گرفتن در جنگ، برای امتیاز گرفتن از طرف مقابل و برای تغییر توازن جنگ به نفع خود، با این انگیزه ها است که تا کنون بارها و بارها شهرها و مناطق مسکونی، کارخانه و دانشگاه و مدرسه و بیمارستان آماج بمباران قرار گرفته اند و در این میان آنچه نصیب کارگران و زحمتکشان شده هزاران کشته و زخمی و بیگانه و آوارگی بوده است. بمباران شهرها ماهیت ارتجاعی جنگ را عریانتر در معرض دید توده ها قرار میدهد و واکنش آنان در برابر بمبارانها و سیاستها و تبلیغات رژیم در این زمینه، بخوبی نشان میدهد. توده ها از جنگ ارتجاعی منزعجند، آنرا جنگ خود نمیدانند و به رودرویی بیشتر با حاکمیت اسلامی برمیخورند. ایس را واکنش توده ها نسبت به بمباران شهرها و اقدامات رژیم بخوبی نشان میدهد. و همین روحیه توده ها باعث شد در زمانی که شهرها در معرض بمباران قرار داشتند، تخلیه شده بودند، مدارس و ادارات بحال تعطیل و نیمه تعطیل درآمد، بودند، رژیم " هفته بسیج سنگساز" برای مقابله با بمبارانهای هوایی "را علم کند تا بدین وسیله هم توده های مردم را با شهرها یکپارچه کند" در هنگام بمبارانهای هوایی کنترل بیشتری بر اوضاع داشته باشد. برای مقابله با اعتراضات و نظرات ضد جنگ و رژیم که نمونه هایی از آن را به عینه دیده بود.

در طول ۶ هفته بمباران مداوم شهرها که از اواسط دیماه تا اواخر بهمن طول انجامید، ۶۵ شهر ریختن بارها و بارها بر در حمله هوایی قرار گرفتند. فاجعه ای که با بمبارانها بنا بر آورد غیر قابل برسداند و ذکر چند نمونه از شهرهای مختلف بمباران شده وضعیت کارگران و جنگسازان ایران تحت حاکمیت حکومت جنگ و سار را تصور میکند. طی ۶ هفته ای که بمباران شهرها ادامه داشت، برعموم سیرهایی که در معرض بمباران قرار داشتند، حالت ویژه ای حاکم بود، ادارات

و مدارس تعطیل و با همه تعطیل بودند. مردم برای نجات جان خود، ناآشناکوه امکاناتی در دسترس داشتند، شهرها را تخلیه میکردند. کودکان خردسال از ۲ تا ۵ ساله دچار حالت های عصبی شده بودند، ششادت گریه میکردند و قادر به کنترل ادرار خود نبودند، تاثيرات روانی و عصبی بمبارانها باعث شده بود که تعداد مراجعین به پزشکان متخصص اعصاب بطور چشمگیری افزایش یابد.

در بمباران شهر میانه که در ۱۲ بهمن انجام شد، دانش آموزان دو مدرسه ای که هدف بمباران قرار گرفتند، در صف ایستاده بودند با بمباران در آمدن آژیسر خطر کودکان بطرف درب مدارس هجوم بردند تا از مدرسه خارج شوند، اما مدیر مدرسه مانع خروج دانش آموزان شد در نتیجه بمباران این دو مدرسه حدود ۶۰۰ دانش آموز کشته و تعداد زیادی مجروح شدند.

در تبریز او خرفته دوم بهمن بمبارانها بسیار شدید بود. پس از هر موثقی که جمهوری اسلامی به شهرهای عراق میرد، تبریز و نواحی اطراف آن یک تا دو بار توسط رژیم عراق بمباران میشد، هر زمان که رادیو رژیم خبر از موثک باران شهرهای عراق میداد، مردم تبریز تیر در انتظار بمباران بمباران میسرند. مناطق بسیاری از شهر تبریز و اطراف آن طی این مدت هدف هواپیماهای عراقی قرار گرفتند. دانشگاه، خیابان شهناز و باغ گلستان، کارخانه های "آبدن" و "جرم دیبرل"، حوله بافی و ماشین سازی درست هنگامی بمباران شدند که ساعت کار تمام شده بود و کارگران در حال خروج از کارخانه بودند. یکی از بمب ها در نزدیکی سرویس کارگران کارخانه "آبدن" به زمین نشست تعداد زیادی از کارگران کشته و زخمی شدند.

رورشید ۲۷ دیماه در ساعت ۱۱ شب، سرسر مورد بمباران قرار گرفتند. از ۵ بمبی که هواپیماهای عراقی بر سر شهر ریختند یکی به کارگاه دانشگاه فنی دانشگاه سرسر اصابت کرد. در آن ساعت ۶ تن اردانشوخیان سال آخر دانشگاه فنی مشغول ناهار میخوردند در اثر اصابت بمب، ۳۶ تن اردانشوخیان کشته شدند.

بمباران شهر بروجرود در تلفات و خسارات سنگینی برجای گذاشت. خانه های

بسیاری ویران شده اند. در اثر بمباران، یک مدرسه بطور کامل تخریب گشت و اجساد دانش آموزان به خیابان پرتاب شد. والدین دانش آموزان که برای یافتن فرزندان شان به محل آمده بودند، در حین جستجو در لایق آوارها با صدای بلند به خمینی و رژیم دشنام میدادند. هنوز مردم در حال دفن کشته شدگان بودند که بازهم هواپیماهای عراقی همان منطقه را بمباران کردند. مردم به داخل قبرهایی که برای دفن اجساد کشته بودند پناه بردند.

در اصفهان هنگامی که مردم محله " چهار سو " برای گرفتن کوپن در مقابل بانک صف کشیده بودند، شهز بمباران شد. حدود ۶۰۰ نفر در این منطقه کشته شدند. در بمباران شهر بانه مناطقی از این شهر از جمله بلوار بانه سالن شهرداری، بیمارستان و بخشی از پادگان هدف قرار گرفتند، اکثر محله های شهر سنجید در بمبارانهای هوایی مورد حمله قرار گرفته اند در اثر این حملات بیش از ۱۰۰۰ تن کشته شده اند، کثرت کشته شدگان باعث شد که رژیم ۳ روز در شهر عراق عمومی اعلام کند.

در تهران پنجم بهمن شب ۲۴ بهمن برق آلتونم در منطقه آرپا شهر مورد بمباران هوایی قرار گرفت، قسمتی از ایستگاه کارخانه برق در ایستگاه از کار افتاد و برق منطقه ناصح روز بعد قطع بسرد. در اثر این بمباران مناطق مسکونی آرپا شهر صدمه دید، شیشه منازل حداقل برق آلتونم تا پل تاج تماماً خرد شد. صبح روز بعد جمعه ۲۴ بهمن مردم دیگر نقاط تهران برای دیدن این منطقه و میزان خرابی ها سرازیر شده بودند.

در خیابان رسالت بمبی در نزدیکی یک مهد کودک فرود آمد و تعدادی از کودکان کشته و زخمی شدند.

در زنجان بر اثر اصابت بمب به یک مدرسه ۳۰۰ دانش آموز کشته و زخمی شدند.

در بمباران شهر ارومیه تنها در روز ۱۱ بهمن ۵ تن بر روی مناطق پرجمعیت شهر ریخته شد که تعداد زیادی کشته و مجروح برجای گذاشت. در اثر اصابت یکی از بمب ها به یک مدرسه ۵۰۰ دانش آموز کشته شدند.

و اینها تنها بخش ناچیزی از در صفحه ۱۷

زندگی با سوسیالیسم

تکا پو برای تقویت ثقل فرمیسم جدید

"ثقل فرمیسم جدید" است که با سرخی مرزبندی های صوری با فرمیسم بی آب و روغن شناخته شده ای که توسط حزب تسلسل و اکثریت نمایندگی میشد، قصد دارد اساس فرمیسم را از بحرانی که گریبانگیر بلوک اپورتونیستی حزب توده و اکثریت گشته است نجات دهد. نامزدهای کشتگرها برای ورود به این ائتلاف جدید، عبارتند از بخشهایی از حزب توده که به گذشته اعتقاد دارند، سازمان اکثریت با شرط اعتقاد به خود، راه کارگرو سازمان آزادی کار.

"فرمیسم جدید" که کشتگرها در جهت تقویت ثقل آن برآمده اند و از سوی راه کارگر با استقبال مواجه شده است بر مبنای بحرانی است که در بلوک اپورتونیستی حاصل گشته است. واقعیت این است که مبارزه طبقاتی و بی آبرویی و بی حیثیتی حمایت از جمهوری اسلامی ستون فقرات بلوک اپورتونیستی، یعنی حزب توده را نه فقط سخت تضعیف نموده بلکه آنرا تکه تکه نموده و بحران همچنان در این ستون فقرات بلوک اپورتونیستی حاکم است. اکثریت نیز با اختلاف صوری در همان مسیری قرار دارد که حزب توده در حال پیمودنش میباشد.

از این رونق نیر و های اپورتونیست و شیر فرمیست بر سر حفظ پایه ها و اساس فرمیست قرار دارد. تلاقی که در دوره طی این مدت جریان داشته است، از یکسو با ترک برداشتن حزب توده و اکثریت و جدائی بخشهایی از آن، تقسلا برای ادامه حیات این دو جریان را با درجات گوناگونی به نقد (نقد اپورتونیستی) از گذشته گشاده است و در محسود و صوابت حاکم بر بلوک اپورتونیستی، حرکتی سوی "چپ" آغاز گردیده است. این حرکت که در کنفرانس ملی حزب توده و بلوک اکثریت مشاهده شد، اما قادر به ناشی آمدن بر بحران نبود و لیسندا بر ربابی و تجربه همچنان معمل اساسی ترک را تشکیل میدهد. بر چنین زمینه ای روی دیگر سروه های فرمیست نظیر راه کارگرد سیر و اربلرک اپورتونیستی حزب توده و اکثریت، برای تقویت جبهه صوری از فرمیسمها و جدت نیروهای جدا شده از آن بلوک، از مذهب پیش حرکت

بسمت راست را آغاز کردند. در حقیقت نقد کشتگرها از گذشته و اعلام مشی تقویت ثقل انقلابیون کمونیست " مشی با سمت بمناب نقطه تلاقی این دو حرکت، به تشکیل جبهه جدیدی از فرمیستها منجر شود.

چنین است که راه کارگر شادمانه به استقبال نقد کشتگرها می رود و با اصطلاح بایکوت سیاسی اش نسبت به این چریکان راکن لم یکس اعلام میدارد. راه کارگر در این مورد مینویسد: " این کام کیفاً مثبتی است که هر چند پرازد و دلسی و تردید طولانی برداشته شده است، اما بهر حال کامی به پیش است و ما از آن خرسندیم".

راه کارگر برای توجیه رفیع بایکوت سیاسی اش از کشتگرها، که اما در عمل از مدتها پیش با سیاستهای متخذه از سوی راه کارگر موضوعیت خود را از دست داده بود، بر نقد کشتگرها از خود دایر بر اینکه رژیم جمهوری اسلامی از همان مردای پیام ضد انقلابی بوده است، متکی است. امری که دیگر نه از لحاظ نظری و نه عملی ارضح اهمی بر حورردار است. بکه راه کارگر بر این مسئله معط نظر کردن حساب های کهنه است برای مداوم حساب در کلی جدید. برای تقویت " ثقل فرمیسم جدید".

گزارش سیاسی کشتگرها حاوی مضمون این فرمیسم جدید که باید سراسر در شرایط کنونی همچنان رسالت به کجراه گشاندن طبقه کارگر و توده ها را تعقیب نماید ترسیم کرده و برای این منظور با مواضع اتخاذی در سالهای قبل کسب خاستکاری فرمیسم را آشکار می صاحب نظور صوری مرز بندی نموده است. ضد انقلابی خواندن جمهوری اسلامی از همان بدو بقدرت رسیدن، یکی از مواضعی است که اکنون مورد نقد قرار گرفته است. توش داری پس از برگ سیراب، معناده اکسون که دیگر سراسر از مواضع اپورتونیستی - فرمیستی، عملاً بر سر سؤال رفته و بی حیثیت گشته است، نقد باره ای از آنها معنادار سواب اطمینان کمپ فرمیسم ضرورت یافته است. از جمله این مواضع استفادی که در گزارش سیاسی کشتگری ها منعکس گشته است عبارتند از:

نقد دستگاه حزب توده نسبت به امیرالیم و مبارزه مدا میروالیستی، رد سنوری راه رشد غیر سرمایه داری، پذیرش رهبری پرولتاریا بر انقلاب دمکراتیک در وجه عام خود و تاکید بر ضرورت آزادیهای سیاسی و دمکراسی.

اما این نقد کشتگرها نقصدی صوری و کاسکارانه است. نقد کشتگرها در تمامی زمینه ها، اساس و اساس تمام خیانت کاری های بر ملا شده گذشته را دست نخورده باقی میگذارد. چرا که خاستکاری با چهره جدید باید ادامه یابد. منته ضد انقلابی خواندن جمهوری اسلامی از همان بدو بقدرت رسیدن و نه رد صوری تشوری راه رشد غیر سرمایه داری و پذیرش رهبری پرولتاریا بر انقلاب دمکراتیک و نه نقد مبارزه ضد امیرالیمستی، هیچکدام اساس فرمیسم را بزیر سؤال نمی برد. تنها شکل ارائه و جلوسد فرمیسم تغییر می یابد. همچنانکه مار بالاجبار پوست می اندازد، کشتگرها هم فصل پوست انداختن شان فرار سیده است. اما همچنانکه مار با پوست انداختنش همچنان مار باقی می ماند، کشتگرها هم همچنان همان اکثریتی های کشتگری باقی مانده اند.

کشتگرها در گزارش سیاسی خود جمهوری اسلامی را ضد انقلابی اوریاسی میکنند، اما آن متدولوژی که کشتگرها را ضد پذیرش تشوری " اتحاد و مبارزه" سا حسی گناید همچنان در متدولوژی شان باقی است.

کشتگرها از رهبری پرولتاریا بر انقلاب دمکراتیک و شیوه مبارزات ضد امیرالیمستی سخن میگویند، اما بیانشاً از سرود سرگونی رژیم جمهوری اسلامی که حیرت سمسح سنوری مراحل، عملاً رهبری پرولتاریا بر انقلاب دمکراتیک را منسفی اعلام میدارند.

گزارش سیاسی بدون مضموم منمعی است که سیزان اپورتونیسم شرمگینانه کشتگرها را که میخواهد با مطلق سبوت ثقل انقلابیون کمونیست بپردازند، بر ملا میکند و اسرارهای سبوت ثقل سبوت بر میسم حد در اعیان مسازد. هر چند و با حشری از گزارش سیاسی که گرفته شود سبوت کاملاً فرمیستی کل گزارش بیجگ می آید. کانی استگاهی که در فقط سبوت حسی از گزارش سیاسی تحت عنوان " در راه در صفحه ۱۹

زند باد استقلال طبقاتی کارگران



اسامی سازمانهای انقلابی و مترقی که بمناسبت سالروز رستاخیر سیا هکل پیام فرستاده اند:

- حزب کارگران کردستان ترکیه P.K.K
- سازمان چپ انقلابی شیلی (میر)
- نشریه گاردین، نشریه چپ (آمریکا)
- حزب انقلابی تمام خلقهای آفریقا
- اتحادیه کمونیستهای آلمان

- حزب کارگران سوسیالیست انگلیس
- جبهه فارابوندومارتنی F.M.L.N
- سازمان راه انقلابی ترکیه (دویول)
- حزب کارگران انقلابی انگلیس
- اتحاد سوسیالیستهای سازمانده (انگلستان)

پیام اتحادیه کمونیستهای آلمان

پیام جنبش چپ انقلابی شیلی (میر)

رفقا! بخاطر شانزدهمین سالگرد تاسیس سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیام همبستگی قلبی خویش را برای شما ارسال میداریم. ما بسیار خوشبختیم که سازمان شما با وجود تعقیب و سرکوب توسط رژیم خمینی همچنان بر علیه جمهوری اسلامی مبارزه کرده و در جهت سرنگونی آن حرکت می نماید.

رژیمی که حاکمین آن در تهران خلقهای ایران را استثمار و سرکوب میکند، هزاران تن انسان را در جنگ بر علیه عراق تهیج نموده و به کام مرگ می فرستد و هر اعتراض و مقاومتی را میخواد با سرکوب و شکنجه جواب دهد، حق موجودیت نباید داشته باشد تنها جواب مناسب در مقابل چنین رژیمی، جواب خلق است که راه طریق قیام مسلحانه و یک اعتصاب عمومی سیاسی حکام جمهوری اسلامی را سرنگون نماید.

در رابطه با مسائل بین المللی رژیم تهران در پیشبرد سیاستهای قدرتهای امپریالیستی سهم بوده و در طیف ضد انقلاب قرار دارد. از همین رو است که دترهای ایرانی از معاملات اسلحه با آمریکا (پول) حساب مداخلاتیون در آمریکا مرکزی سراربر شده تا اسلحه سیکارا گوته را به شکست بکشاند و به همسر دلیل نیز میتوان گفت که با دختمی و طرفدارانش از قدرت بربر کشته شود.

اینکه ارجه طرفی قدرتهای امپریالیستی در حال حاضر به حکام ایران همکاری می نماید و چگونه امپریالیسم آلمان در آن سهم می باشد، ما در اعلامیه آخرس خویش تشریح نموده ایم که برای اطلاع شما به پیوست اس پیام می باشد. ما سر تا ما انقلاب سازمان چریکهای فدائی خلق ایران برای انقلاب ضد امپریالیستی دیکرانیک و ضد سرمایه داری در ایران را تاسدی می نمائیم. برای شما در مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی همچنان شما مست یگمیری و استواری جهت تفسیر شرایط سخته در کشورستان همس طور برای سازمانتان در مسیر حرکت برای دگرگونی انقلاب در ایران آرزوی موفقیت می نمائیم.

مرگ سردگناورها و خون آشام ها
رسده باد همبستگی بین المللی

اتحادیه کمونیستهای آلمان

کوسنگن - ۲۹ ژانویه ۱۹۸۷

رفقای گرامی! خوشبختیم که همبستگی بین المللی و تیریکات انقلابی خود را به مناسبت شانزدهمین سالگرد تاسیس سازمانتان ارسال داریم. ما افتخار میکنیم که در گرما گرم این دوران حساس و تاریخی به سازمان شما و خلق ایران درود بفرستیم. امروز در آمریکا لاتین و خصوصا شیلی ما شکل گیری فرم جدیدی ارتوطنه امپریالیسم را که تجلی از آن را در دیکراسی های محدود آرزانتین و اروگوئه می بینیم تقبیح کرده و آشکارا اعلام میداریم که در مبارزه هرگونه سازش و اتحاد با دشمن و نیروهای بورژوازی اپوزیسیون وارد نمیکنیم. ما آشکارا گفته ایم که هر حکومت موقتی که در چارچوب روابط اقتصادی - اجتماعی، سنتی نکل گیرد، قادر نخواهد بود بحران اقتصادی - اجتماعی و اخلاقی موجود راحل کند. تنها توده های سازماندهی شده و مسلح قادر خواهند بود جامعه ای که بر پایه عدالت اجتماعی و دیکراسی استوار باشد یعنی یک جامعه انقلابی برپا دارند که به حواسها و آرمانهای بجای توده های شیلی پاسخگو باشد. مردمی که سالها است توسط دولت نظامی و دستگاه ارتش سرکوب شده اند.

رفقای گرامی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران! گرچه تا انقراض امپریالیسم راه طولانی در پیش داریم. ما امروز شاهد هستیم چگونه امضای قرارداد ارسال اسلحه به ایران توسط آمریکا، دولت ریگان را تضعیف کرده است. محاکمه پورتوریکوئی ها، محاکمه کسانی که به پناهندگان سیاسی آمریکا مرکزی پناه داده اند، قوانین مهاجرت که خصوصا بر جنبه پناهندگان سیاسی آمریکا لاتین عمل میکند، نمونه هایی از سیاست جدید ایالات متحده است. تبلیغات ضد کمونیستی روز بروز افزایش می یابد. از دید ایالات متحده صلح و عدالت مترادف است با کمونیسم. در شرایطی که آنچاس ارتس از سلیتاریسم و دخالت آشکار و پنهان آمریکا در جهان سوم دفاع می کنند نیروهای مترقی و انقلابی دنیا خصوصا در آمریکای مرکزی و شیلی مضمم ترار همیشه مبارزه خود ادامه میدهند. طلوع سوسیالیسم سردیک است و خلق ها هر چه کم کشور های آزاد شده را برافراشته خواهند ساخت.

رفقای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران!

پیروزی حتمی است.

سرنگون باد رژیمهای سرکوبگر خمینی و سوسیالیسم سرنگون باد امپریالیسم رنده باد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و مردم ایران جنبش چپ انقلابی شیلی (میر)



پیام دفتر سیاسی اتحاد سوسیالیستهای سازمانده

پیام کمیته مرکزی حزب انقلابی تمام خلقهای آفریقا

بمناسبت شانزدهمین سالگرد ستا خیر سیا هکل و تاسیس سازمان چریکهای فدائی خلق ایران اتحاد سوسیالیستهای سازمانده همبستگی خود را با مبارزات سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بمنظور سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی برهبری آیت الله خمینی اعلام میدارد. از زمان تشکیل سازمان چریکهای فدائی خلق ایران اعضاء آن مبارزه قهرمانانه‌ای را علیه نیروهای ارتجاعی دردوره سلطنت پهلوی و سپس دوره حکومت جمهوری اسلامی در تحت سخت‌ترین شرایط سرکوب و خفقات ادامه دادند. کارنامه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران درست برخلاف خیانت‌های حزب توده و جریان اکثریت است. حزب توده به اصل اولیه سوسیالیسم و مواضع طبقه کارگر خیانت کرده است. این خیانت نشانه خود را در آمادگی کامل این جریان برای همکاری با جمهوری اسلامی در سرکوب سوسیالیستها و مبارزان طبقه کارگرنشان داده است. اکثریت نیز بی پرسویی خود را در دفاع از رژیم جمهوری اسلامی نشان داده است. از طبقه کارگر خواست تا از این رژیم بدلیل "فدامپریالیست" بودن آن حمایت نکند.

اتحاد سوسیالیستهای سازمانده در بریتانیا همچنین از موضع سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در رابطه با جنگ ایران و عراق حمایت میکند. برای کارگران هر دو کشور دشمن در درون مرزهای خودشان است. اتحاد سوسیالیستهای سازمانده درخواست میکند حزب طبقه کارگر حمایت خود را از شبح شورای ملی مفارم و جریان طرفدار سرمایه داری مجاهدین قطع کند. پیاده شدن سیاستهای شورای ملی مقاومت مجاهدین تنها موج سرکوب و خفقات طبقه کارگر در ایران را بدنبال خواهد داشت. در عوض جنبش کارگری سازمانده در بریتانیا باید گامهای اساسی در اعلام همبستگی با نیروهای چون سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی را بحثی از مسأله برای سرنگونی سرمایه داری در ایران و سطح جهانی میداند، اعلام دارد.

رفقای عزیز!
بمناسبت شانزدهمین سال ستا نگذاری دلیرانه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران حزب انقلابی تمام خلقهای آفریقا از روزی در درگنا رخلقیهای مترقی دنیا در دو همبستگی استوار خود را به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و هوادارانش تقدیم دارد. تاریخ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سهمش در مبارزه توده‌های ایرانی در جهت بدست آوردن پیروزی غیرقابل اجتناب بر نیروهای امپریالیسم به رهبری آمریکا، احترام و حمایت همه مردم تحت ستم را در سراسر دنیا بر بی انگیزد. خلقهای تحت ستمی که خود در جهت نابودی سلطه سیستم ارتجاعی، بی رحم و پوسیدنی امپریالیستی و راننده‌های ستمگر، استعمار و استعمارگر، صهیونیسم و استعمار را بر سر مبارزه بر میخیزند. ما سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را در تشدید آموزش سیاسی و تشکیلاتی توده‌های ایرانی تشویق مینمائیم. فقط از طریق یک پویای انقلابی است که توده‌های بی‌نوشت خود را کنترل نموده و به پتانسیل خود بعنوان خلق بی خواهند برد.

حزب تمام خلقهای آفریقا تسلیم ناپذیرانه به حمایت از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و توده‌های ایرانی در مبارزه‌شان بر علیه تمام دشمنان خلق ادامه خواهد داد.

مرکز بر امپریالیسم
مرکز بر صهیونیسم
مرکز بر استعمار مهاجر
مرکز بر استعمار نژاد

زنده باد توده‌های ایرانی
رنده باد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

نا همبستگی انقلابی :

کمیته مرکزی حزب انقلابی تمام خلقهای آفریقا
اول فوریه ۱۹۸۷

دفتر سیاسی اتحاد سوسیالیستهای سازمانده
۲۰ فوریه ۱۹۸۷

پیام سازمان راه انقلابی

رفقا!

ما انقلابی هستیم که با سرکار آمدن خونتای فاشیست در ۱۲ سپتامبر، نیر ما با سد در زندانها مقاومت کرده ایم، و از اندیشه‌های انقلابی خود در دادگاه دفاع نموده ایم. ما با سازمان راه انقلابی بر گریس سازمان سیاسی ترکیه هستیم که هنوز هم محاکمه ۷۲۵ نفر از اعضاء آن ادامه دارد. از مبارزات رهائی بحرین و فلسطین ایران و عراق سیاسی سکیم و همبستگی خودمان را اعلام میکنیم.

باودا داد امپریالیسم
تارگران و خلقهای تحت ستم متحدند

سازمان راه انقلابی

رفقا!

همراه با درویدهای انقلابی، خواهانیم که مراتب همبستگی خود را از مبارزات توده‌های رحمتکش ایران علیه رژیم فاشیستی- ارتجاعی به آگاهی‌تان برسانیم، و فراموش نکنیم که خلقهای ترکیه با احساسات همبستگی‌شان در کنار شما قرار دارند.

جنگ ما بین ایران و عراق در حال و زمانه، بدون انکسند خلقهای دو کشور در آن ذبح می‌شوند، مانند تمام ما در آن. وجود یک چنین وضعیت ربا سازی در منطقه، امپریالیسم را در پیشبرد سیاستهای منعم طلبانه‌تان تار می‌سازد. همچنین رژیم‌های هر دو کشور با استفاده از طوفانی بدن جنگ می‌توانند بر مسائل ناشی از مسأله‌های طبقاتی کشور خود، سرپرست بگردند.



رستاخیز سپاهکل

اسماعیل معینی عراقی، محدث قندجی، عباس دانش بهزادی، شجاع الدین مشیدی، هادی فاضلی، ناصر سیف دلیل فاضلی، هادی بنده خدا لنگرودی، غفور حسن پورا صیل، محمدرحیم سماشی و مهدی سحافی با بذل جان خویش عملاً تولد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را اعلام و به اشراکات دهها سال خیانت حزب توده به جنبش کارگزاران و زحمتکشان ایران پایان دادند و تحقق اهداف طبقه کارگر و حزب کمونیست ایران تأسیس شده در ۱۲۹۹ رادردستور کار سازمان قرار دادند.

رستاخیز سپاهکل از این نظر نقطه عطفی در مبارزه طبقاتی ایران است که با سرکوشی و بی عملی سرپای وجود روشنفکران در پیله غزیده رافرا گرفته بود و حزب توده این جسم خیانت بواقع سد راه جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان جامعه گشته بود.

عظمت حماسه سپاهکل در این نهفته است که با امانت هسته شوریک و پراتیک خود نه تنها به زندگی محفلی روشنفکران خاتمه بخشید و حزب توده را تاریکاً بگور سپرد، بلکه شالوده سازمانی ستیزه جو، مقاوم، ادامه کار، بهیوش و بهیشتاز طبقه کارگر و مسلح به مارکسیست-لنینیست را بنیاد نهاد.

سپاهکل بار دیگر عظمت و حقانیت سیاسی چون و چرای آرمان طبقه کارگر، کمونیسم را که حزب توده خائن تسلط در مخدوش کردن آن در اذهان توده ها کرده بود، روشن تر، بدیع تر و سرخ تر در پیش روی توده های استثمار شده و ستمدیده ایران قرار داد و نوید رهائی بهیشت استمدیده از نظام سرمایه داری رادر دل کارگران و زحمتکشان شعله و ریاخت.

سپاهکل تنها یک عملیات نظامی بهرمانانه جدا از توده ها نبود، سپاهکل سمل طغیان، غلبان و کوبندگی خشم کارگران و زحمتکشان جامعه از نظم موجود زسخت از دوران سکون، بی حرکتی و ریشهای غنیم و خفت با راپرونیست های زوده ای بود. سپاهکل خط بطلانی بر تمامی موارد یاد شده بود.

عملیات دلبرانانه فدائیان خلق در سپاهکل بعد از فرم شاه مزدور موسوم به انقلاب سفید و سرکوب آخرین حرکتی های زوده ای، نخستین شعله مبارزه مسلحانه دامه دار علیه رژیم شاه بود که با سلسب سدائی برین حقوق و آزادیهای سیاسی و

اجتماعی از توده ها، میکوشید امنیست مطلوب امپریالیست ها و سرمایه داران را تأمین کند و بیش از پیش ثروتهای جامعه و دسترنج کارگران و زحمتکشان را به بیغما بپسرد.

سپاهکل تعرض به رژیم بود که ایران را به صورت بزرگترین پایگاه نظامی سیاسی و اقتصادی امپریالیسم جهانی در منطقه در آورده بود و علاوه بر سرکوب داخلی، زاندارم و فادار امپریالیسم در خاور میانه و خلیج فارس شده بود. در چنان موقعیتی، سوژه با توجه به سیاستها سازشکارانه و خائسانه حزب توده که اعتماد توده ها را سببه بین آهنگ خدشه دار ساخته بود، مهمترین وظیفه کمونیستها پایان دادن به چنین وضعیتی بود، شرایطی که به گفته رفیق جان باخته مان امیر پرویز پویسان: "روشنفکران انقلابی هنوز فاقد هرگونه رابطه مستقیم با توده ها بودند و جو و خفت و خفقان حاکم نیز ایجاد هرگونه رابطه میان آنها را دشوار ساخته بود." ظلمت ابرع ضعیف باید شکسته میشد، محاسل و گروههای جدا از هم می بایست جای خود را به یک سازمان منسجم، با برنامه و ادامه کار میداد و ارتباط مستقیم و استوار با توده ها باید بوجود می آمد. این همه باید در شرایطی تحقق می یافت که هنوز تا اشیرات خیانت باز حزب توده در ذهن کارگران زده نشده و همچون مانع بزرگی در حرکت پیش آهنگ انقلابی بحساب می آمد. حماسه سپاهکل تند آسا این ظلمت رادر هم شکست.

و خشت و هراس شاه و امپریالیسم از حمله رفقا به پایگاه سپاهکل آنچنان برای رژیم سرمایه داری مرک آور بود که رژیم نیروی عظیمی را برای سرکوب آنها به شمال و خنک اعزام داشت. حمسب اشرف سازمانگر ارزشمندمان در داده داشتها خود در مورد حماسه سپاهکل می نویسد: "فرماندهی دسه کوهسان هسگاه پیش سنی نمیکرد که دشمن جس سسری عظیمی را برای نابودی دسه کوچک هسب نغری کوه گسل دارد. سپهبد اوسی فرمانده زاندارم ری

کل شخماً در سپاهکل ستاد عملیات تشکیل داد و عملیات راهبری میکرد. غلامرضا، برادر شاه هم برای بازرسی و سرکشی به سپاهکل اعزام شده بود. افراد هنگ زاندارم ری گیلان تمام خطوط مواطالتی منطقه را شدیداً کنترل میکردند و منطقه را به محاصره در آورده بودند. یک گردان ارتش از پادگان منجیل به سمت منطقه به حرکت در آمده بود.

فدائیان کوهستان مدت ۲۸ ساعت با قوای متمرکز دشمن پیکار کردند و آنگاه که مهاجمان به پایان رسید، دو نفرشان با دست زدن به عمل فدائی با انفجار نارنجک خودشان را با چندتن از عوامل دشمن نابود ساختند و دو نفر دیگر که رمقی در تن نداشتند به اسارت دشمن درآمدند. یکی از افراد توانست از محاصره خارج شود که چند روز بعد در ۱۸ اسفند در حوالی یک روستا به طور نیمه جان یافته شد. بدین ترتیب از دسته نه نفری کوهستان ۷ نفر به اسارت دشمن درآمدند و دوش در جنگل به شهادت رسیدند.

اگرچه رژیم شاه در ابتدا کمان میکرد با تسبیح عظیم نیرو و سرکوب و کشتن حماسه سازان سپاهکل از بی آمدهای آن در امان خواهد بود، اما پراکنده شدن شعله های سپاهکل، سوژه اعدام انقلابی فرسید جنایتکار عامل تیرباران سیزده فدائی، در جامعه و لوله افکنند و رژیم را کاملاً در برابر عظمت سپاهکل به لرزه در آورد. بناچار رژیم شاه بمان از سبب امپریالیست اش ظاهراً برای راکنا گذاشت و برای دستیابی به فدائیان شناخته شده جایزه های مدھزار تومانی تعیین نمود و عکس های آنان را بر در و دیوار شهرها و روستاها چسباند. اما در این مورد نیز بسیاری از توده های کارگر و زحمتکش آگاه عکسها را از دیوارها کنده و آذین بخش خاند و کاتبه محفر خود کردند. دیگر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بمان سازمانی سکیر و مدافع منافع طبقه کارگر با گرفته بود و میرفت ما پیوند هر چه عمیق تر با جنبش طبقه کارگر برچشم سرخ انقلاب را بر امر داشته دارد.

سازمان نازریایی از تجربه جنگل فعالیت خود را هر چه پرنوان تر گسترش داد و مردم مرات جدیدی بر موجودیست رژیم وارد مساحت، اگر چه در این کارزار شعاعی محمل برناب بلسی نیز میگشت.

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دیکواتیک خلقهای ایران

مروری بر

مهمترین درسهای

انقلاب

تغییر و تحولات اساسی را می طلبید. بنا
کشتار ۱۷ شهریور جنبش وارد مرحله
نوینی گردید. دیگر همگروهی‌ها به
به رژیم شاه وجود نداشت. توده‌های
مردم دیگر به هیچ وجه نظم موجود را پدید
نبودند. اکنون دیگر نه تنها نمی‌خواستند
بلکه نمی‌توانستند به سبب گذشته زندگی
کنند. آنها حاضر به هرگونه مذاکراتی و
از خودگذشتگی برای تغییر وضعیت موجود
و شرایط زندگی شان نبودند. درجه
وضعیتی در میان طبقات حاکمه و دستگاه
دولتی آنها نیز شکافی عمیق ایجاد شده
بود. آنها نیز دیگر نمی‌توانستند هم‌مسیر
گذشته بر توده‌های مردم حکومت کنند.
شکاف در اردوی ضدانقلاب و در میان
دسته‌بندی‌های آنها هر دم فزونی می‌کرد.
دستگاه دولتی با از هم گسیختگی روبرو
میشد. در صفوف ارتش شکاف می‌آمد و
بخشهایی از ارتش بویژه سربازان محاب
توده‌ها روی می آوردند. وضعیت رژیم شاه
بسیار وخیم‌تر از آن شده بود که حتی لایه و
زاری تلویزیونی شاه از شنیدن صدای
انقلاب بتواند اورانجات دهد. از دولتی
نظامی از هاری هم‌دیگر کاری ساخته نبود.
دامنه اعتراضات توده‌ای مدام گسترش می‌یافت.
دیگر راهپیمایی‌های خیابانی و تظاهرات
پراکنده کافی نبود. این شکلهای مبارزه
با اشکال نوینی تلقین می‌شدند.
اعتمادات اقتصادی فزونی می‌کردند و
بسرعت تبدیل به اعتماد عمومی سیاسی
می‌گردید. مرور اعتماد عمومی سیاسی
شکل عمده مبارزه بوده‌ها گردید. از این
زمان پس‌کاملاً ملاحظه و لمس‌کننده‌طیفه
کارگردانان صورت روست گردید. کارگران قهرمان
صفت‌ها ملاحظه صدور عقب‌مردان
کننده راه رژیم وارد آوردند. بولند در
کارخانه‌ها صورت و تمام سیستم با احلال
روبرو گردید.

مردم‌های مردم‌ساز عمل انقلابی را در
دست‌گرفته بودند. سوراخانی که از درون
اعتماد عمومی سیاسی سر بر می‌آورد. و
کمیته‌های محلی تمام ایران را در دست
می‌گرفتند. مردم به تظاهرات می‌رفتند
انقلابی می‌شدند و درین مرحله سید
هرگونه قانون و مقرراتی بر محسوس آزادی
سیاسی را شک برده بودند. از آنکه
سخن می‌گفتند. سیستم و اعتماد بکامل
مزدانند. محسوس می‌شدند و با تظاهرات

بورژوازی متوسط تا آن حد خواستار شرکت
مردم در مبارزه علیه رژیم شاه بود که
نه تنها به ارکان و بنیاد نظام اقتصادی-
اجتماعی موجود خللی وارد نمی‌شود
بلکه ارگانها و نهادهای کهنه قدرت
دولتی نیز دست نخورده باقی می‌مانند.
ریزها که او برای حفظ نظام سرمایه‌داری.
سرکوب مردم و تامین منافع خویش به این
ارگانها و نهادهای نیاز داشت. نمایندگان
سیاسی این جریان‌ها نظیر جبهه ملی،
نهضت آزادی و امثالهم خواستار کاسته
شدن از قدرت متمرکز شاه و دربار، اجرای
قانون اساسی و سهم بیشتر در استعمار
بودند. آنها شعار میدادند شاه باید سلطنت
کند و نه حکومت. اما توده‌های مردم
ایران که سالها سیاستهای فرمت طلبانه
و سازشکارانه این جریان‌ها را تجربه
کرده بودند، به شعارهای اینان تمکین
نکردند و به مبارزه خود ادامه دادند.
رویداد ۱۷ شهریور و کشتار وسیع توده‌های
مردم بیش از پیش هرگونه توهمنی را در
درون جنبش نسبت به شعارهای لیبرالها
از میان برد و منجر به انفراد هر چه بیشتر
مداخلین شعار شاه باید سلطنت کند نه
حکومت، گردید.

دومین درس انقلاب این بود، که
اپورسیونهای ضدانقلابی بسورژوازی
متوسط نظیر لیبرالها که از خلق و مبارزه
انقلابی توده‌ها هراس دارند، در جنبانقلاب
سلطنت می‌کنند تا با گرفتن امتیازات
به نفع خود سازش با جناح حاکم خلق را
فریاسی نمایند. آنها با اساس و ارکان
نظام ستمگرانه حاکم مخالفتی ندارند. و
همیشه میکوشند درخواستهای توده‌ها
را به یک رشته فرم‌های ناچیز محدود
کنند و جنبش انقلابی توده‌های مردم را به
انحراف بکشند.

رویداد ۱۷ شهریور نقطه عطف
سویتی در مبارزات توده‌های مردم ایران
بود. رژیم شاه که بر ناسیونالیسم
کارانه خود را با شکست قطعی روبرو کرد.
کبار دیگر سیاست سرکوب گسترده را در
دستور کار قرار داد. تا این زمان شکل
نمده مبارزه توده‌ها راهپیمایی‌های
مسالمت‌آمیز بود. در روز ۱۷ شهریور
راهپیمایی مسالمت‌آمیز توده‌های مردم
تیرهان توسط مزدوران رژیم شاه محسوس
کننده شد. بیش از چهار هزار تن در آن
روز کشته شدند و در بازده شهر حکومت
نظامی اعلام گردید.

اما سحران عمیق تر از آن بود که
رژیم شاه نتواند در برابر رشد و اعتماد
مسیح توده‌های استنادگی کند. حسی

مرحمن می برد احمد.
اس سومین درس انقلاب بود. انقلاب
شان داد که سها مبارزه انقلابی توده‌ها
می‌تواند بر محسوس راه عقب نشینی
و ادارد و خواستهای توده‌ها را عملی سازد.
بدون مبارزه انقلابی توده‌ها، و بدون
صح انگاشتن قوانین و مقررات رژیم
شاه از سوی آنها، ممکن نبود بتوانند
آزادی سیاسی را بدست آورند. ارگانهای
اقتدار خود را بنا کنند. و به اعمال
اتوربته انقلابی بپردازند. این درس
انقلاب بویژه امروز از آن جهت دارای
اهمیت است که توده‌های مردم ایران با
سوخ به سراسر مبارزه انقلابی خود
علمه رژیم شاه باید آگاه باشند که
بدون یک رشته مبارزه پیگیر و انقلابی
علیه رژیم جمهوری اسلامی که ابتدائی -
ترین حقوق مردم را از آنها طلب کرده است
سعی نتواند آزادی سیاسی را بگف آورند.
و مرتحسوس را سلاوقفه به عقب نشینی و ادار
کند.

در سپردهم آبان ۱۳۵۷ یکبار دیگر
ارتش مردور و سرکوبگر رژیم شاه
دانشجویان و دانش‌آموزان را که در دانشگاه
تهران تجمع کرده بودند به گلوله بست.
اما این سرکوب رژیم نیز نتوانست
اندک خللی در مبارزات توده‌ها بپدید
آورد. بلکه بالعکس برداشته اعتراض و
اعتلا حسی توده‌ای افزود.

اکنون دیگر حتی برای سورژوازی
حاکم بر ایران و امپریالیسم حامی آن
روشن شده بود که رژیم شاه نمی‌تواند به
حیات تنگین اش ادامه دهد. رشد و اعتلا
دم افزون مبارزه توده‌ها تمام می‌بورژوازی
و امپریالیسم را به هراسی مرکبار دچار
ساخته بود. امپریالیستها برای حفظ
نظام سرمایه‌داری حاکم بر ایران تلاشهای
وسیمی را آغاز نمودند. کنفرانس
کوادلوپ در دسامبر سال ۵۷ با شرکت
سران دولتهای امپریالیست تشکیل گردید.
امپریالیستها با اتفاق با این نتیجه
رسیدند که دیگر ماندن رژیم شاه در ایران
ممکن نیست و باید قدرت بطور مالمه‌ضیر
به یک دارودسته ضدانقلابی دیگر انتقال
یابد تا موجودیت تمام سیستم حفظ گردد.
در برابر اس تلاشهای ضدانقلابی
بورژوازی جهانی. جنبش انقلابی توده‌های
مردم ایران فاقد یک رهبری قاطع
انقلابی بود که بتواند اس توطئه‌ساز
تلاشهای ضدانقلابی مرتجعین را نقش بر
آب کند و انقلاب را سوی سورژوازی
سرسرد.



سایه دیکتاتوری عربان و عساکر گسخته رژیم شاه اثرات مغرب و ویرانگر خود را بر جای گذاشته بود. توده های مردم در ناآگاهی مفراطی بسر می بردند. صف بندیهای روشن طبقاتی شکل نگرفته بود و نمایندگان سیاسی - ارگانیک اقشار و طبقات جامعه پدید نیامده بودند. عموم خلق، چون یک توده بی شکل و فاقد هویت طبقاتی به مبارزه علیه رژیم شاه برخاسته بودند.

در چنین شرایطی طبقه کارگر که بنا به شرایط وجودی طبقاتی و موقعیت اقتصادی - اجتماعی خود، تنها طبقه شا به آغوش پیگیری و انقلابی است که میتواند بدون سازش، گذشت و عقب گرد انقلاب را به پیروزی قطعی برساند، به علت فقدان شکل و آگاهی لازم نتوانست رهبری انقلاب را در دست گیرد. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نیز که تنها سازمانی بود که در آن شرایط میتوانست منافع این طبقه را نمایندگی کند، علیرغم حضور فعالش در مبارزه، در موقعیتی نبود که مبارزه طبقه کارگر و جنبش انقلابی توده های را رهبری کند. نتیجتاً در غیاب یک رهبری قاطع و سازش ناپذیر کارگری، رهبری جنبش بدست بخشهایی از خرده بورژوازی مرده و بورژوازی متوسط که ارامکانات و شکل بیشتری برخوردار بودند، افتاد. و با موج وسیع خرده بورژوازی و مذهبی که در آستانه قسام جامعه را فرا گرفته بود، عموم توده های مردم، از جمله طبقه کارگر از روی ناآگاهی این رهبری را پذیرا شدند. بدین طریق یک رهبری سازشکار و حیاست پیمانه زمام امور جنبش را در دست گرفت.

خرده بورژوازی لایه های فوقانی که سازه شرایط و موقعیت طبقاتی خود، سعی پیوند و خویشاوندی بسیار نزدیکش با بورژوازی بویژه در مقاطع حاس و در لحظاتی که سردی تعیین کننده و سرپوش مارسان خلق، ضد خلق، انقلاب و ضد انقلاب در حرمان است، مستعد سازش و جاساس است، در راس جنبش قرار گرفت و توده های وسیع طبقه میانی، توده های سیاسی سارمان و ناآگاه رهبری جنبشی را بخود جلب نمود و آن اعصاب دگر داند. با این وجود علیرغم خصوصیات سازشکارانه و حیاستکارانه این رهبری، ظرفیت و توان انقلابی جنبش تا بدان حد بود که نتوانست طبقه ای را رهبری و جهت ماسده، این سلسله سازش و خیانت را نه در پیشاپیش بلکه بدست خود میکشید و هیچ نیرویی قادر نبود حسن بدست عظیم را مهار کند.

هروزی بر مهمترین درسهای انقلاب

بورژوازی متوسط رسانندگان سیاسی آن نیز هنگامیکه پس از رویدادهای شهریور و آبان در برابر اعتلا روز افزون جنبش و طوفان بنیان کن انقلاب قرار گرفتند و هرگونه ایقان سلطنت را بر باد رفته دیدند، به یکباره جمهوریخواه شدند تا این بار نقش ضد انقلابی خود را از طریق سازش با سران خرده بورژوازی ایفای نمایند. نظم اقتصادی - اجتماعی سرمایه داری را حفظ کنند، طوفان را فرو نشاندند، نظم و امنیت را دوباره مستقر سازند و انقلاب را به کجراد بکشانند. و هنگامیکه به آساند نسام بردسنگ میگرددیم، اس سارس در حال شکل گرفتن است. سران جنبه ملی، سیمت آزادی، هیئت های مؤلفه و دارنده حمیتی پیش از پس به یکدیگر سردک شدند. در این هنگام دولت نظامی اراهاری که در آساند ۵۷ سرسکار آمده بود کنار میرو و دیکی دیگر ار رسانندگان بورژوازی سیاسی سخنا در راس دولت قرار میگرد، اما او خیلی عقب مانده تر از اوضاع است که بتواند نقشی برای شاه و نظام حاکم ایفا کند.

در این ایام هویر ژنرال آمریکایی به همراه تعدادی دیگر از مزدوران سارمان حاسوسی آمریکا بمنظور اجرای تصمیمات کنفرانس کوا و لوی و اسفال سالسنا میر قدرت بدست اپورسیون فدائیان رژیم شاه وارد تهران میشود. هویر مداکراتی با سران ارتش و شیر سازرگان، سمنشی و اردیسی انجام میدهد. یکی از مزدوران رژیم شاه " سیمه ریسی" پس از قسام درد ادگاه جنبه های آرایس سازش را فاش کرد و گفت: " هویر بره ایران آمد، در جلسه سران ارتش گفت شاه باید بیرون و ارتش نسبت به دولت جدید اظهار وفاداری کند. وی به تمام سران ارتش در اسناد تلخ میدهد که در صورت لزوم از آسپاسا دستور بگیرد. یکی سمارد سلسلس سازرگان و دیگری سیمی.

سارس در صرف نکون سوز ساسا سیک ارگان سازش مرکب از رسانندگان بورژوازی و خرده بورژوازی قدرت سیاسی را در دست میگرد، جسمی نرم خود را برای سازگشت با سران اعظم میکند، او سنوان سخنگوی ارگان سارس و سانسار نظم موجود هرگونه نمرد را در ارتش محکوم میکند و

در برابر توده های که خواهان درهم کوبیدن ارتش ضد خلقی هستند، اعلام میدارد که توطئه ای در دست اجرا است " میخواهند به مجرد رفتن شاه دسته های از مزدوران و اشرا را وادار کنند که به اسم ملت مسلمان حمله به ارتش و سربازخانه ها و شهرهای ها و دیگر موسسات دولتی و نظامی کنند. مردم موظفند با نیروهای انتظامی و ارتش با برادری و مهربانی رفتار کنند و اگر اشرا قصد حمله به آنان را داشتند، از برادران خود دفاع کنند." هویر نیز به سران ارتش دستور میدهد که سارقتن شاه از هرگونه اقدامی بپرهیزند و بدولت جدید اظهار وفاداری کنند.

در سیمت و چهارم دیماه از سوی خمینی تشکیل شورای انقلاب و وظائف دولت موقت شرح زیر اعلام میگردد:

- ۱- تشکیل مجلس موسسان بمنظور تصویب قانون اساسی
- ۲- انجام انتخابات بر اساسی
- ۳- مصوبات مجلس موسسان و قانون اساسی جدید
- ۳- اسفال قدرت به منتخبین جدید در سیمت و ششم دیماه شاه پس از سالها ستم و سرکوب توده ها بدست سوز آریان آمریکایی خود، بمنظور حفظ نظم موجود کنار میرو و به بهانه خستگی و سازه اسراحت و معالجه به خارج فرار میکند. سوده های مردم سرازیر ایران فرار ساراد سناد بیرونی خود جشن میگیرند اما در همین زمان سارس و ردو سندر جمعین، برای حد کردن اسفلت توده ها به مرا حسل سیاسی خود سردک میگردد.
- چهارم درس و یکی از مهمترین درسهای انقلاب این است که انقلاب تنها با رهبری طبقه کارگر بمنظور طبقه مضم، قاطع و سازش ناپذیری که تاریخ رسالت دگرگونیهای عمر ما را بر عهده و قرار داده است، میباشد. ار سندیست و سازش و کجراه مضم ماند و به پیروزی برسد. خرده بورژوازی یعنی اشاری که بین بورژوازی و سوزلسارا قرار گرفته اند، به علت سیمت طبقاتی حرد سخت منززل هستند، و از آساشک نادر سستند اقتصاد ساسا ساراد سوه خود رهبری کنند. در سنا رهبری ضد کارگر، سمالدروی از سوزواری می آسند و رسانندگان سیاسی سنا ساراد سدرست سارس با سوزواری در سس میگرد و در سیمس و اساسی ترین مسائل ناح سوزواری میسوند.
- در اوایل دیماه اوایل سیم ساد دیگر عموم توده های مردم به انقلاب



مروری بر مهمترین دروسهای انقلاب

همافران برخاستند. از همین لحظه شعله‌های قیام مسلحانه مشتعل گردیدند. فردای آرزو، ۲۱ بهمن گردهمایی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در دانشگاه تهران بمناسبت ۱۹ بهمن سالروز حماسه سیاهکل شعله‌های قیام را مشتعل تر ساخت جمعیت عظیم شرکت کننده در این میتینگ با شعارهای "به یاری همافران نتایجیم" و "ایران را سراسر سیاهکل میکنیم"، سیل آسا بسوی پادگان فرج آباد حرکت درآمد. قیام آغاز شده بود. بروی دره‌ها جا سنگرهای خیابانی برپا گردید، باریکاد بندی توام با جنگ و گرسر رورهای گذشته، اکنون تبدیل به باریکادهای سراسری در بخش عظیمی از شهر تهران گردید. دستگیر بلندگوه‌های مرجعین شورشکار که بسا فریاد "اما حکم جهاد داده است" مردم راه آرامش و سازگشت به خانه‌هایشان دعوت میکردند، کار را رنجید. قیام مسلحانه شده‌های مردم ایران سرعت گسترش می یافت. مردم حمله به مراکز سرکوب و سم، دادگاهها، کلانتریها، موسسات دولتی و خاسوسی را آغاز کرده بودند، تمام باسرسی مدارم حومه سس مرفه، بوده‌های مردم با اعمیای باایی شب ۲۱ بهمن ماه حتی امراکر سرکوب راه تصرف خود در آورده و مسلح شده بودند فردای آرزو، ۲۲ بهمن، تعرض عمومی توده‌های برای ویران کردن نظم استعماریه شاهنشاهی اسفادی همه‌جانبه خود میگرد. عموم مردم با تسخیر مراکز سرکوب مسلح شدند، قیام مسلحانه در شهرهای دیگر ایران سیر آغاز مید. سوده‌ها سرخلاف خواست و تعایل سارتکاران مرجع که رهبری حس را در دست گرفتند، با تسام مسلحانه خود رژیم سلطنتی را از آنگون کردند. مسلح شدند و به اعمال اسوربید سوده‌ای پرداختند. رژیم شاه شد سزار هر چه از منابع سوزوزاری سررک و احتیارات امیرالسی دنا م نگرد. سرگون بد. اما خلق سلطنتدان رهبری معمم و ناطع و سار ساند سر ضدکارگر، صنف سنگل و آگاهی، سساد با سسی از زرد سوری را آگاهی به سدا سب و در راس آن جمعی مرجع امکان داد که سده دوباره قدرت را دست گیرد، سحای آنکه سوده‌های کارگر و عموم رجسکان شهر ر روسا که ساسا در سسطنی را از رگین

بپوسته‌اند، مبارزات سوده‌های مردم شکل کاملاً قهرآمیز خود گرفته است. باریکاد بندی در خبا بانها و چهار راه‌های شهرهای بزرگ، بسویژه در تهران به امری مستداول تبدیل شده است. درگیری‌های شدیدی میان توده‌های مردم و مزدوران ارتشی صورت میگردد. تمام زمینه‌ها برای ارتقاء اشکال سیاسی، مبارزه به اشکال مسلحانه فراهم شده است. توده‌ها تنهارا راه را برای مقابله با ارتش مزدور و دیگر نیروهای سرکوبگر در مسلح شدن و قیام مسلحانه می بینند، شعار "رهبران ما را مسلح کنید" به شعار روز تبدیل میشود. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بعنوان یگانه سازمان سیاسی مسلح برداشته عملیات نظامی خود می افزایش و در سبم بهمن ماه مقر زاندار بری را در میدان ۲۴ اسفند مورد حمله مسلحانه قرار میدهد. در یازدهم بهمن ماه توده‌های مردم بانگها، شرکتهای بزرگ، ماشینهای پلیس و ارتش و موسسات دولتی راه آتش میکنند. اکنون دیگر لحظه قیام فرا رسیده است. توده‌ها آماده قیام مسلحانه‌اند. اما خائنین و سازشکاران خلق را فروخته و فریانی کرده‌اند. آنها در حال گذران آخرین مراحل سازش‌اند. شانزدهم بهمن سازگان از جانب خمینی نخست وزیر میشود و دولت سازش ضد انقلاب بنام دولت موقت انقلاب پایه عرصه وجود میگذازد. در هجدهم بهمن ماه ژنرال آمریکائی هوپزر ایس مردور سیا به ما موریت خود در اسسگران پایان میدهد، سازش به پایان رسیده است. بر طبق این سازش نظام اقتصاد اجتماعی موجود دست نخورده باقی میماند و قدرت می باید بطور مسالمت آمیز به ارگان سازشی که از نمایندگان سوزوزازی و خرده سوزوزازی تشکیل شده است منتقل گردد. ارگان ماشین دولتی کهن، ارتشی، سوزوکراسی و دیگر نهادهای سرکوب سنا به ابزارهای حراست از منافع ستمگران و استعمارگران، سرمایه داران، زمینداران و میربالیم همچنان دست نخورده باقی میماند. اما سیر رویدادها بهمان گونه سوده که سازشکاران و مرجعین میخواهند. در سبتم بهمن ماه جناح افراطی سلطنت طلب در ارتش که از تحولات در قدرت سیاسی رتعمیر رژیم سلطنتی خشمگین بود، نسبت سنگام برای سرکوب همافرانی که به خلق سوسته بودند و در نظهرات و راهبمانی‌ها سسبه رژیم شاه شرکت فعال داشتند به پادگان فرج آباد حمله کرد. توده‌های مردم که آمادگی لازم را برای مداخله و سرکوب مرجعین سلطنت طلب داشتند، به ساری

کرده بودند. خود قدرت سیاسی را در دست گیرید. اجازه دادند که یک داروسته ضد انقلابی ارسا بندگان سوزوزازی و خرده سوزوزاری سار شکار قدرت را در دست گیرند. سدا انقلاب خود را سسنگوی انقلاب معرفی می کند و بنام انقلاب علیه انقلاب برمی حیزد. در حالیکه توده‌های مردم سرنگونی رژیم شاه را مقدمه‌ای برای تحولات انقلابی میدانند. دولت بازرگان بنسبام دولت انقلاب فرمان پایان انقلاب را صادر میکند و با قدرتی از توده‌ها و با اصطلاح گرا میدانش سهدای انقلاب از توده‌ها سس سخواهد که سحاه‌های خود با زگردند و احام اسوزراسر عهده دولت بگیرند. ارسا اظهار سرما سرداری میکند و خمینی انقلاب را احام سده اعظم میکند. اما قیام و ضرباتی که به ارگانهای سرکوب مرجعین وارد آمده بود، در محاسبات مرجعین معادلات ضد انقلاب چنان اغلالی پیدا کرده بود که به سادگی امکان نداشت بتوانند آنرا جبران کنند.

پنجمین درس انقلاب این بود که توده‌ها مردم تنها با قیام مسلحانه خود نمیتوانند استکار عمل انقلابی را در دست بگیرند. طبقه ای که علیه ستمگران بها میخیزد، نمیتواند سسحو مسالمت آمیز، مرجعین را از آریکه قدرت بر سر کشد. لاجرم تنها قیام مسلحانه سسترا ندبا درهم شکستن ارگانهای ستمگری مرجعین، آنها را از قدرت بیزیر کشد.

اما قیام مسلحانه توده‌های مردم ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ همچنین نشان داد که اگر توده‌های قیام کننده سرتسا پای ماشین دولتی موجود و تمام ارگانهای سرکوب و ستمگری آن را از جمله ارتش، پلیس، دادگاهها، زندانها، سوزوکراسی و غیره را کلی درهم شکند، خود قدرت سیاسی را در دست بگیرند و از طریق ایجاد شوراهای تسلیح عمومی خلق به اعمال حاکمیت سپردازند، بلکه فقط ضرباتی به ماشین دولتی موجود و ارگانهای سرکوب، آن وارد آورند، جدا انقلاب سرتسا این دستگاه سرکوب و سس را با ساری و سنا ورده‌های تمام سوده‌ها را بسود خواهد کرد.

هنگامیکه سوده‌های مردم برخلاف سمال و حواس مرجعین به قیام مسلحانه عسده رژیم شاه برخاستند و با بیورش سسدادگاهها، کلانتریها، زندانها، موسسات دولتی و عموم ارگانها و سها‌های سرکوب و ستمگری، مسلح شدند و رژیم سلطنتی را به کور سپردند. انقلاب سناح دوگانه‌های سار آورده سزد.

ارنگر سندان رهبری معمم و ناطع



مروزی بر مهمترین درسیهای انقلاب

دستاوردهای انقلابی آن بود.

اما دستاورد انقلاب بقدرت رسیده در ایران برای تحقق اهداف فدائیانقلابی خود تنها به خلق سلاح نوده ها بسپرداخت بلکه همراه با آن بازسازی ارگان ماشین دولتی، ارتش، بوروکراسی و تمامی نهادهای سرکوب را که در حین فواید مریه خورده بودند وظیفه فوری و عاجل خود قرارداد. او تلاش کرد انضباط و وفاداری را دوباره در ارتش احیا نماید، و برای ارتش حیثیتی دست و پا کند. او ارتش را برادر "ملت" خواند و سران مزدوران را که در روزهای قسام بدستور اربابان خود بمنظور جلوگیری از متلاشی شدن و درهم شکستن کامل ارتش پرچم های سفید را بر سر در پا دگاها برافراشته بودند، بمنوا فرماندهان سوگند خورده ارتش جمهوری مامور سازماندهی دوباره ارتش کرد. مریه نسی یکی از ژنرالهای فدائیانقلابی دست پرورده شاه و آمریکا بمنسوان رئیس "ستاد ارتش ملی انقلاب" در رأس این سازماندهی قرار گرفت، فدائیانقلاب گوشتید ارتوهم و ناآگاهی توده مردمی که تصور میکردند هیئت حاکمه جدید نمابنده و بیابانگر منافع آنهاست برای این بازسازی ارتش استفاده کند، علاوه بر اس کونندما استفاده از هر حادثه حریفی و لحظه مناسب با درگیری کردن آن در درو حوردها و درگیریها پراکنده بمرور اسحام آن را بدان سار گرداند، تا نتواند سوده های مردم را سرکوب کند.

تخریسات دوران سارمنام و نوح این مسئله را به اثبات رساند، مادام که ارگانهای ستم و سرکوب رژیم بازسازی نشده بودند، فدائیان در حالت تدافعی بسر میبرد و توده های مردم انقلاب را به جلو سوق میدادند، کارگران نوراسکسل میدادند، کارخانه ها را معادله میکردند، سرمایه داران را دستگیر می نمودند، و تولید را تحت کنترل خویش قرار میدادند، دهقانان به معادله انقلابی زمینهای رمنداران بزرگ سرحاصه نمودند، اتحادیه و شورا تشکیل میدادند، و اسکار عمل را در دست میگرفتند، سارمان در یادگاریها با سکسل توراها و اسحات نرماندها نرغیرند را بر مریخمس سک میگرفتند، در مریخمس مناطق نظیر برکمن محرا و کردستان، اسکار عمل در دست سوده های ستم بود.

طبقه کارگر، صنعت آگاهی توده ها و اعتماد ناشی از زودبیاوری باعث گردید که قدرت سیاسی مجدداً در دست فدائیانقلاب قرار گیرد و کنترل بلاواسطه حکومت بدست مردم نیافتد. و از سوی دیگر توده مردم ابتکار عمل را در دست گرفته، مسلح شده بودند، ضرباتی جدی بر پیکر ابزارهای ستم و سرکوب طبقه حاکمه، ارتش، پلیس، ژاندارمری ساواک و غیره وارد آورده بودند و بسا ایجا دوگسترش شوراها را کارخانه، شوراها را بر بازان و دهقانان، معادله کارخانه و املاک سرما به داران و زمینداران، خواستار ندوام انقلاب بودند. این دوررشته ستایج انقلاب در سراسر دوران پس از قیام در همه عرصه ها خود را به شکل تمام دوگمشکن انقلاب و فدائیانقلاب برور داده است.

فدائیانقلاب تازه بقدرت رسیده پس از آنکه توده های مردم به قیام مسلحانه برخاستند و مسلح شدند با وضعیت سیاسی پیچیده ای روبرو بود. اونمیتوانست در حالیکه توده های مردم مسلح بودند، ابتکار عمل انقلابی را در دست داشتند، و بسا سلاح از دستاوردهای انقلابی خود حراست میکردند، به بازسازی نظم ستمگرانه سرما به داری و بازسازی دستگاه دولتی موجود سپردازد، نظم و امنیت گذاشتن را برقرار نماید و انقلاب را بشکست قطعی نکند. از این رومقدم بر هر چیز خلق سلاح سوده ها، بازسازی ارتش و بوروکراسی و کلیت ماشین دولتی را در دستور کار قرار داد. برای سرورژوازی چیری و حشتناک تر و هولناک تر از مسلح شدن توده ها نیست. سوده های که سلاح بدست میگرد نشان میدهد که میخواهد طوق اسارت و سندی، ستم و استعمار را دور اندازد. فدائیانقلاب که بر بوم ناشی از ناآگاهی و رودبیاوری توده ها سکا، داشت بلافاصله پس از قیام از توده ها خواست که سلاح بر زمین بگذارند و آنرا بدولت فدائیانقلاب تحویل دهند. خمیسی مریخ که در روزهای قیام نتوانسته بود محوم توده ها را برای درهم شکستن ارگانها سرکوب کند، در ۲۴ بهمن اعلام کرد که "سند تمام اسلحه هائی که در دست مردم جمع شود" آری، فدائیانقلاب سیاسی تحت توده های مردم را به سر سود ممکن خلق سلاح کند، تا سواستند تا ارگان و رمنسکان ایران را سرکوب کند و دستاوردهای انقلابی شان را از آنها سرکوب کند.

اکنون پس از گذشت ۸ سال از قیام سارمن حقیقت سارمن همیشه آشکار شده است. خلق سلاح سوده ها بحسب گام سمد، منت برای سرکوب خلق و سارمنال نمودن

و فدائیانقلاب جرات نمیکرد آشکارا آزادبها سیاسی و حقوق دمکراتیک توده ها را نگهدار کند، اما به محض اینکه ارگانهای سرکوب را تا حدی بازسازی کرد، تعرض خود را به انقلاب و دستاوردهای انقلابی توده ها آغاز نمود، خلق عرب را سرکوب کرد، در ترکمن صحرا به قتل عام توده ها پرداخت، لشکرکشی وسیع به کردستان را آغاز نمود تعطیل مطبوعات را به بهانه های مختلف از سر گرفت. مراکز و دفاتر سازمانهای سیاسی را سرچید، فعالیت علنی آنها را عملاً ممنوع کرد. ممنوعیت میتینگ، نظارات و اجتماعات را به مرحله اجرا در آورد. شوراها را انقلابی و متلاشی کرد، قدم بقدم انقلاب را به عقب نشینی وادار نمود و دستاوردهای انقلابی توده ها را باز پس گرفت و هنگامیکه به آن مرحله از سازماندهی نیروهای سرکوب و ستمگری خود دست یافت که یک تعرض همه جا نبه را بسنه توده ها و انقلاب آغاز نماید، لحظه ای درنگ نکرد. از تیرماه سال ۶۰ بسورش گسترده و بیردنامه خود را آغاز کرد، تمام دستاوردهای انقلابی توده ها را از آنها سارس گرفت، هرگونه آزادی سیاسی را از میان برد. دهها هزار سار به جوخه اعدام سرد، دهها هزار سار دیگر را به زندان افکند، دسکا سوری عربان و عیان نگسیخته خود را اسکانه سوزی فهر و سرکوب فدائیانقلابی سرحاصه حاکم کرد، و چنان شرایطی بدست آورد که نه تنها امروز پس از گذشت ۸ سال از قیام هیچیک از درجواسیای دمکراتیک - فدائیانقلابیستی بر باد سوده های مردم تحقق نیافتند، بلکه سراط زندگی آنها از هر حیث شاق و طافبت بر ما شده است.

شمن درس انقلاب به توده ها می آموزد که اگر انقلاب بسنه کاره باقی سماند، و در سمد راه متوقف گردد و سارمن بیروزی مطنی پس سرود، معادله انقلاب برای شکست مطنی انقلاب فوری ترین و عاجل ترین وظیفه خود را خلق سلاح توده ها و بازسازی ارگانها و نهادهای سرکوب و ستمگری که در حین انقلاب مریه خورده اند، قرار میدهد و تا استفاده از هر فرصت مناسب قدم بقدم انقلاب را به عقب نشینی و امیدارد، دست آوردهای انقلابی سدهای مردم را از آنها سارس میگردد.

سردستی ستمکد سوده های سمرده ایران زیر سار سراط حاکم و عدم تحسین و طافبت انقلاب، سار دیگر سک قیام مجدد سارمن سیرند، سار برای اسکد سکار دیگر دستاوردهای انقلابی آنها عرصه نا را جگری



مروزی بر

مهمترین درسهای

انقلاب

در عرض ایجا دارگانهای اقتدارتوده ای همچون شوراها و تسلیح عمومی خلق همیشه پیروزیهای توده ها نیمه کاره باقی خواهد ماند و ضداً انقلاب در اولین فرصت دستاوردهای انقلابی آنها را بازنس خواهد گرفت .

- مسئله اساسی هر انقلاب کسب قدرت سیاسی است ، توده های مردمی که سه انقلاب برمیخیزند اگر خود را ساداً قدرت سیاسی را در دست نگیرند ، پیروزیها و دستاوردهای انقلابی آنها هر چند هم عظیم باشد ، با این وجود ، انقلاب سرانجام با شکست روبرو خواهد شد .

- تنها مبارزه انقلابی توده ها و تعرض مداوم علیه ضداً انقلاب میتوانست منجر به تحقق درخواستهای انقلابی توده ها گردد ، بدون یک رشته مبارزه آشکار و انقلابی توده ای ، تحقق خواسته های توده های مردم ممکن نیست .

- تجربه انقلاب ایران نفس اعتماد عمومی سیاسی و مقام مسلحانه را آسمان مناسب ترین اشکال مبارزه انقلابی برای سرنگونی طبقات حاکمه ارضاعی نشان

مداً انقلاب فرار نگیرد و انقلاب به سرانجام پیروز مندی برسد ، باید درسهای انقلاب را بدقت فرا گیرند و بدانند که : بدون رهبری طبقه کارگر برجسته ، انقلاب به پیروزی قطعی نخواهد رسید . انقلاب طبقاتی و نه طبقاتی تمام اقشار و طبقات جامعه و نه طبقاتی سیاسی آنها را برهان کرد . انقلاب نشان داد که تمام طبقات و اقشار جامعه بیکسان برای دگرگونی و تحول انقلابی جامعه مبارزه نمیکند و هر یک از زاویه منافع طبقاتی خود به تحولات مینگرند . طبقه کارگر تنها طبقه ای است که منافع اش در تحولات اساسی و بنیادی جامعه نهفته است ، هیچ قید و بندی او را به حفظ نظم موجود و انمیدارد ، و تنها طبقه ای است که شایسته و لایق رهبری انقلاب است ، اما خرده بورژوازی بنا به موقعیت اقتصادی و سیاسی خود دارای سرشتی متناقض است ، تزلزل و ناستواری ذاتی این اقشار سبب میگردند که هیچگاه نتواند انقلاب را رهبری کنند و به پیروزی برسانند . خرده بورژوازی در غیاب رهبری طبقه کارگر بدنبال رهبری از بورژوازی می بردارد ، و نه طبقاتی سیاسی آن به مبارش با بورژوازی دست میزنند :

- بدون درهم شکستن سر تا پای ماشین دولتی ، متلاشی کردن تمام ابزارها و ارگانهای ستمگری بورژوازی و

داد ، اعتماد عمومی سیاسی که برپاکننده آن اساساً طبقه کارگر است ، قادر است ، رژیم را در تمام عرصه ها فلج کند ، منابع تغذیه و درآمد آنها را قطع نماید ، و آنها را بزانو در آورد ، اما اعتماد به تنها کسی کافی نیست ، مکمل اعتماد عمومی سیاسی مقام مسلحانه توده ای برای سرنگونی طبقات حاکمه است .

- در حین هر انقلاب ، سازشکاران و فرصت طلبان میکوشند با نفوذ در جنبش و کسب رهبری آن انقلاب را از مسیر خود منحرف نمایند . توده های مردم در هر انقلاب باید هشیارانه این تلاشهای ارتجاعی را نقش بر آب کند . و اسیر فریبهای دغل کاران و سازشکاران و فریبست نشوند . انقلاب ایران نشان داد که اعتماد دناشی از رودبازی و ناآگاهی توده ها میبواند بزرگترین لغات را به انقلاب وارد آورد . توده های مردم ایران باید درس گیری از تجارب اخیر خود دیگر فریب وعده و وعیدهای دروغین فرصت طلبان را نخورند و سهر کن که وعده دمکراسی ، رفاه و آزادی را به آنها داد اعتماد نکند بلکه باید منای اعتماد خود را به سازمان و جریان سیاسی سر اساس عملکرد ، برنامه ، سیاست و سوابق سازمانی آن جریان قرار دهند .

بیاد رفیق

جهان



"جهان" کمونیست
"جهان" امروز
"جهان" آینده
"جهان" کارگران
"جهان" حیا
"جهان" بیک
"جهان" دانش
"جهان" ترجمه

"جهان" کمونیست
"جهان" آینده
جهان از میدان "سوس" تا میدان فردی
- میدان آزادی -
جهان از فردی آزادی تا میدان انقلاب
جهان از فرار خودروهای کسار و

یاد رفیق قاسم سیادت

قاسم را از زمین بار اسناد که او به همراه سی جدار دیگر رفتن پیشاپیش توده ها و مبارزاد پیروزی خلق مردوران شاه را در ساختمان مرکزی رادسو در میدان آرک دورو میکرد . اگرچه او در این سرد جنایی جان باخت اما توده ها تا یک پیروزی را از یاد نبردند و سیادت را با نام و یاد مبارز انحصاری در تمام مراسم با یادگاران سازمان جاودانه تاریخ مبارزاتی ستمگران و ستم خدگان ایران گرامی

تکاپو برای . . .

عبادت کند ارضاع بقوی محور رژیم حسی بورژوازی متوسط و کوچک را آزادی خواهد کرده است . ار همین رو باید با هر فلم و مدنی اختلاف مردم و مقابله با اس رژیم شاه رخاست و در این راه جنبه متحد کارگری را به کمک طلسم و بر میناسی " فصل مشترک احزاب سیاسی " برای پرکردن این حفره اشتدقیار سازمان داد . راه کارگر چینی میکود " طرح دمکراسی به صورت مفروضه ای طبقاتی موجب زمین غیر چپ میشود "

اساساً آنچه که راه کارگر میکوبد حصر " جنبه متحد خلق " و دمکراسی ملی " چه چیز دیگری است ؟ بر میناسی چنین " اصول مشترکی " است که راه کارگر با کسب سیاسی خود را سبب اکثریتی های کشتگری رسانس میکود ؛ در عمل مدنها قبل پس میکود بود ، و راه جنب " مشکی سوس انقلابیون کسبست " (جنبه خدمت بررسی ؛ هیوارتر میکود .



سیمای شهرها

در زیر بمبارانهای هوایی

کشته ها و خساراتی است که بمباران ۶ هفته ای شهرها برجای گذاشته است.

در چنین شرایطی که بمباران مداوم شهرها هر روز جان عده ای را میکشد، مردم از ادامه کشتار به ستوه آمده بودند، خمینی در پیام به خانواده های قربانیان جنگ گفت: "مبارک باد سر خانواده های عزیز شهدا و مفقودین و اسرا و جانبازان و برملت ایران که با استقامت و پایداری و پایداری خوبی به بنیادنی رسولی مبدل گشته اند که نه تهدید و اسفندتها آنان را به هراس می افکند و نه از محاصره ها و کمبوندها به فغان میابند و نه از جنایت و وحشیگری های مدام دیوانه و افسارگسیخته و روبه زوال در زدن شهرها رو بران کردن خانه ها و مساجد و بیمارستانها خم به ابروی می آورند. ملت ما کمربندها را محکم بسته اند و از زن و مرد و پسر و جوان همه و همه بجز تعداد انگشت شماری منافق خود فروخته جاسوس و سایر وابستگان به استکبار جهانی در صحنه نبرد حقیقت در برابر باطل ایستاده اند و بر یکدیگر سفت میجویند. باید تمامی قدرتها و اسفندتها بدانند که ما تا آخرین نفس و تا آخرین منزل و تا آخرین قطره خون برای اعتنالی کلمت الله ایستاده ایم."

دوباره خمینی در ۲۱ بهمن در جمع میهمانان ده فجر جمهوری اسلامی گفت: "شما می بینید با اینکه هر روز تقریباً ایران زده میشود و عده کثیری از مردم عادی داره خراب میشه خانه ها روشن، معدالک از همون زیر آوار که در میانند حرفشون این است که ما باید تا پیروزی جنگ کنیم."

اما آنچه واقعا در شهرها جریان داشت، کاملاً در جهت عکس سخنان خمینی بود. خمینی در واقع آرزوها و آمال خود را بیان میکرد حال آنکه بمباران ۶ هفته ای شهرها نشان داد که هر چه بود حاکمیت و توده ها به جنگ دوبرخورداری هیچ رس متفاوت است.

پس از بمبارانهای مداوم کرمانشاه، در این شهرتظاهراتی علیه جنگ برپا شد. ۳۰ دسام مردم همدان، سجان آمده از سمارانهای هواشناسی به نظر همدان رفتند. در هر دوی این نظرها ت مزدوران به ری مردم آس گوسد رسیدادی کنند و رحمی سراجی ماند.

در تریل ۲ هفته، ۶۵ شهروان کشته

بمباران شدند آنچه در تمام مناطقی بمباران شده عمومیت داشت، ترک شهرها توسط مردم بود. مردم حکم ارتجاعی را جنگ خود میدانند و حاضر نیستند قربانی آن شوند.

تا تاریخ ۱۲ بهمن قریب ۴۰ بمب در تبریز انداخته شد. تبریز در این تاریخ تقریباً خالی بود. در نقاط مختلف شهر کنار خیابانها سنگرهاشی کنده اند با این عنوان که هنگام حمله هوایی مردم به آن پناه ببرند و لسی اکثر مردم میکوبند که این خانه ها را کنده اند تا وقتی مردم علیه رژیم برخاستند، پاسداران از این خانه ها بعنوان سنگر استفاده کنند.

در پی وجود مردم اکثراً شهر را طی بمبارانها تخلیه کردند. شهرهای اراک، قم، تهران و کرمانشاه نیز طی بمبارانها تخلیه شد. در اواسط بهمن ماه شهر تبریز تقریباً خالی از سکنه بود. مدارس عملاً توسط دانش آموزان تعطیل شده بود و آموزش و پرورش هم در ۱۸ بهمن بارش برف را بهانه کرد و بخشهای داد مینی برای اینکه بعلت برودت هوا مدارس تا اطلاع ثانوی تعطیل است. مردم سراسر حتی بیمارانشان را از بیمارستانها خارج کرده بودند. در حالیکه رژیم مدام از مردم میخواست که در شهرها بمانند. فرماندار تبریز برای فرار از بیمارانشا به همراه خانواده اش به "تاسمج" یکی از روستاهای اطراف تبریز رفت. هیچک از روستائیان حاضر شد او را در خانه اش بپذیرد تا اینکه یک پاسدار سراسر پیدا کرد. بارانهای تبریز اجناسان را خارج کردند.

در اکثر شهرها هنگامیکه سمارانسی صورت میگرفت ما موری کمتد و سیاه سا کسی هایشان سرعت در محل حاضر میشدند و مانع تجمع مردم میشدند ولی با انتقال پس از هر بمباران سبل جمعیت بطرف نقاط بمباران شده سرازیر میشد. در تهران روز ۲۴ بهمن ماه یعنی یکروز پس از سماران آریا شهر، مردم دیگر مناطقی برای دادن میزان خرابیها و تلفات سبب آریا شهر سرازیر شدند و اهالی محل کسب حادها ایشان در اثر سماران خسارت دیده بود. چگونگی واقع را توضیح میدادند. پاسداران و سبجی هادرمان جمعیت سبب لسان سخمی پرسه میدادند، شدیداً مردم را کسرول میکردند و از گرفتن هر کوسد عکس خودداری میکردند.

در تبریز از شروع ترم سبب سبب در مدارس گیتا، دانشجویان سبب سبب در

کلاسهای درس حاضر شدند و حتی تعدادی از دانشجویان تهرانی نیز به کلاس درس رفتند. مدارس نیز بحال نیمه تعطیل در آمده بودند. عده ای اردانش آموزان به همراه خانواده هایشان به شهرستانها رفتند. در زمان نیمه تعطیل شدن مدارس از سوی دانش آموزان، این شایعه قوت گرفته بود که بین اکرسی وری شهری در رابطه با تعطیل مدارس اختلاف نظر بوده است. اکرسی معتقد بوده که مدارس را تعطیل اعلام کنند اما ری شهری میگفته که با اعلام رسمی تعطیل مدارس، شهرتخلیه خواهد شد بهمین جهت باید مدارس باز بمانند، که با تعطیل مدارس از سبب دانش آموزان دولت بناگزیب مدارس را بطور رسمی تعطیل اعلام کرد.

هنگامیکه سبل جمعیت از تهران به سوی شهرستانها روان بود، دولت سبب جاده جالوس را از ۲۶ بهمن بمدت ۱۵ روز مسدود اعلام کرد. علت بسته شدن جاده را رژیم نصب دستگاه تهویه برای توشل کنندگان اعلام کرده بود اما مردم معتقد بودند که این عمل برای جلوگیری از تشرک تهران توسط مردم انجام گرفته و احتمال دارد جاده هر از رانیز با بهانه سبب ای سببند. مردم در صحبت های شان میگفتند رژیم سبب طریق شده میخواهد ما را در شهرها نگه دارد. رژیم میخواهد ما را زنده بگردد.

ترک شهرها در کردستان جلوه بارزتری داشت. در سببج مردم از شهر خارج شده و به صحرا و روستاهای اطراف پناه میبردند درگیری بین مردم و پاسداران در دوره بمباران شهرها از حد بالائی برخوردار بود مردم علناً به پاسداران دشنام میدادند. در کرسی لفظی و حتی مواردی از کتک کاری با پاسداران گزارش شده است. حتی خبری حاکی است که در سببج ۳ پاسدار بدست مردم کشته شده اند. مدارس تعطیل و ادارات دولتی بصورت سببب تعطیل در آمده و مردم به خواست رژیم مینی بر حاضر شدن سبببکار اعتنا سببب نداشتند.

اهالی شهر سببب روزها به صحراهای اطراف پناه میبردند و شبها به منزل خود در شهر بازمی گشتند. عده ای سببب در روستاها خانه گرایه کرده و با به منزل اقوام خود رفته بودند. مدارس ابتدائی کاملاً بصورت تعطیل در آمده و مدارس متوسطه نیز از ساعت ۵ تا ۸ بعد از ظهر درس میکردند. شهرها سببب که هم هدف سماران سببب سببب

منگرفت و هم در سببب سببب سببب

رسانایز سياهكل

وسعت ضربات دربرخی مواقع آنچنان بزرگ بود که بدو جبران ناپذیر می نمود. بویژه ضربات سالهای ۵۰ و ۵۵ در دوران رژیم شاه و ضربات ۱۳۶۰ در دوران رژیم جمهوری اسلامی. اما باین همه برپایه اراده استوار و تزلزل ناپذیر و جانبازیهها و مقامهای شجاعانه و تلاشهای بی گسری صدها رفیق فدائی و همچنین با اتکاء به حمایت بیدریغ کارگران و زحمتمندان سازمان پای برجا باقی ماند و پیکار خونین و سرخ را پیش برد و همچنان به پیش میبرد.

آری، در سرگردانی که تا به امروز همچنان ادامه دارد تاریخچه مبارزاتی سرافراز و شیب سازمان ما گواه روشنی بر اسما ن خلل ناپذیر به راه سرخ طبقه کارگر و از موضع این طبقه دفاع از منافع زحمتکشان و دشمنی قاطع و سازش ناپذیر با امپریالیسم سرمایه داران ایپورتونیسم، فرمیسیم و رویزیونیسم می باشد. مبارزه قاطعی که نه تنها در دوران رژیم شاه بلکه از همسایان نخستین روزهای روی کار آمدن مرتجعین جمهوری اسلامی سیر همچنان بی وقفه ادامه دارد.

"رسیده باد سياهكل"

شکست نظامی اخیر

يك شكست سياسي بزرگ

و فرار از جبهه شدید خواهد شد. شمسار حمله قریب الوقوع برای پایان دادن به جنگ تا پایان سال جاری که از مدتها پیش توسط دارودسته حاکم عنوان شده نبود، عملاً نوعی آتش بس میان جناحهای رقیب بدد آورده بود. با عدم تحقق این شعار بار دیگر نمادهای درونی هیئت حاکمه سیر تندد خواهد شد. و هر جناح میگوید جناح دیگر را مسئول شکست ها و خامت روز اینوزن اوضاع معرفی کند. تمام آنچه که دگر شد نشان میدهد شکست نظامی احمر رژیم در عملیات موسوم به کربلا ۲، ۵ و ۶ یک شکست سیاسی محسوب میگردد که در پی خود رژیم را سا یک بحران سیاسی بسیار وخیم رویترز خواهد ساخت و روند سرویاشی و سرنگونی آنرا سرخ خواهد کرد.

بیب به فرصت بسیاران هوایی در پی یک ساختمان مخروبه منفجر شد و بلافاصله نیروهای امنیتی و انتظامی کمیته وارد محل شدند و بابه محاصره در آوردن محل انفجار و اطراف آن و نیروهای انتظامی برای پیشگیری از هرگونه سرقت احتمالی و دخالت ستون پنجم در محل آسیب دیده امکاناتی برای کار امدادگران فراهم آوردند. نیروهای ژاندارمری نیز به عنوان پشتیبانی از عملیات، اطراف محل مستقر شدند تا در موقع مناسب و شباز وارد عمل شوند.

قائم مقام کمیته های انقلاب اسلامی نیز در مورد این ماثور گفت: "یکی از کمیته های دهگانه ستاد پشتیبانی مناطق جنگی، کمیته امنیتی و انتظامی است که در این کمیته شهرتانی و ژاندارمری بسیج و کمیته انقلاب اسلامی شرکت دارند و مسئولیت سرفراری امنیت در مناطق سماران شده راه عهده دارند. مسئولیت کمیته امنیتی و انتظامی در استان تهران بعهده کمیته انقلاب اسلامی است و این نهاد موظف است با همکاری سایر نیروها در زمان بمباران شهرها، امنیت را بلافاصله برقرار کند. در زمان بمباران حلقه اول امداد و امنیت توسط نیروهای کمیته تشکیل میشود و پس از پایان کار امدادگران، حفظ و حراست منطقه در شهرها بعهده شهرتانی و در خارج سیده ژاندارمری است." او ماثور انجام شد را موقفت آمیز خواند.

سومنه های هر چند محدودی از واکنس توده ها در قبال سماران سهره ها و سیاستهایی که رژیم در حس و معافست بمبارانها در پیش گرفت، بحری نشان میدهند که جنگ ارتجاعی و سماران شهرها در تداوم خود ماثور و بدبختی های فراوانی برای توده ها در استان آورده. همین امر مضافاً شاحت بوده هها از ماهیت ارتجاعی رژیم باعث شده است که جنگ همانگونه که در این تمامی مسائل عمده رژیم قرار دارد رجا کسست سیاستهای خود را از طریق آن به پیش میبرد، به محور سماران را اعتراضات توده ها علیه رژیم سز بددل نده باد. حاکمیت جمهوری اسلامی تا حدک گرده خورده است اما جنگ اکسور بر مداخلات ارتسد رژیم از براد اندازی آن عمل نمکسد و کانال عمده رود روشنی کارگران و زحمتکشان با ارتجاع حاکم است.



سیمای شهرها

در زیر بمبارانهای هوایی

نخلیه شده بود مردم بانه به روستاهای اطراف پناه برده بودند. با سداران حتمگین از خالی شدن شهر بر خورده های حشونت آمیزتری با توده های مردمی داشتند که نمیخواستند در اثر بمباران و توپ باران کشته شوند و برای نجات جان خود از شهر خارج میشدند.

با تشدید بمباران هوایی بسیاری از شهرها از کنگنه خالی شده بود و برخی از شهرها که دور از مرز عراق نیز بودند با یک کوچ دو طرفه روبرو گشتند. از یکسواهایی خرد این شهرها به مناطق اطراف پناهگاه میبردند و از سوی دیگر اهالی شهرتانی که مداوماً بمباران میشدند به این شهرها روی می آوردند.

طبیعی است که این وضعیت به هیچوجه نمیتوانست مطلوب حکومت باشد چه در شرایطی که سران جمهوری اسلامی داثماً مردم را دعوت به ماندن در شهرها میکردند و در شرایطی که سران حکومت در سخنرانی ها جنون جنگ طلبی خود را به پای توده ها میگذاشتند، در شرایطی که حتمی مرتجع اعلام کرد تا آخرین نفر سا آخرین خانه و تا آخرین قطره خونس کارگران و زحمتکشان جنگ باید تسدازم باید. آنچه به عینه جریان داشتست، مخالفت آشکار و علنی با این جنون جنگ طلبی بود. نیمه تعطیل شدن مدارس، دانشگاهها و خالی شدن شهرها با واقع اعلام اعتراض علنی توده ها نسبت به جنگ و سماران شهرها بود. پس رژیم سیاستی را در پیش گرفت که بر عزم خود هم از خروج مردم از شهرها جلوگیری کند و هم سلطه سروهای سرکوبگرش در سطح شهرها هنگام سمارانها را افزایش دهد. در همین رابطه "هفته بسیج سنگراسی بسرای سنابله با بمبارانهای هوایی " علم شد. سادی در نخست وزیری تشکیل شد که با همکاری کسسته، شهرتانی، و ژاندارمری بر نامه طرح ریزی شده راه انجسام برساند. ستهانگامی به مراسمی که طی سروز از هفته بسیج سنگراسی انجسام بد، خورد هدف از این طرح را روشنی می سازد. در تاریخ ۲۶ پهمن رادیوسو رژیم اعلام کرد: "کمیته انقلاب اسلامی با همکاری ژاندارمری و سماران اسداد خال احمر به منظور آماده کردن نیروها برای معالجه با سماران هوایی ماثوری - ستر شهید مسطری کمیته انقلاب اسلامی سزای کردید. در این ماثور اسدا سک



تکاپویاری تقویت ثقل رفرمیسم جدید

هنکاري وهما هنگي در مبارزه سراسري سرنكوني رژيم " بيا فكنيم تا تمام آن اسلوبى كه ضرورت حمايت از خميني ورژيم جمهورى اسلامى را توجيه ميكرد، در اينجا دوباره باز باييم توجه كنيم! كشتگريها ميگويند:

" در مبارزه با رژيم جمهورى اسلامى ومواجهه با شرائط كنونى، شيوه هاى مختلفى وجود دارند وسياست هاى متفاوتى پيش ميبرند. اپوزيسيون ضد انقلابى، يعنى سلطنت طلبان ... مردم را بيهوش رويگردانى از هرنوع انقلاب وانقلابيگري راديكاليسم فراميخوانند."

ظاهراً آغاز زيركانه اى است! سروهاى مختلفى وجود دارند كه سياست هاى متفاوتى را پس مىرسند. ومثله بر سر خمين است. پس كشتگريها هم اول بايد حساب اپوزيسيون ضد انقلاب را ارحساب اپوزيسيون غيرمدانقلاب جدا كنند، تا بعد تا خيال راحت بهربندوبستى را مجاز بدانند براه گذشته رايانگلى جديد پي بگيرند. زچه راحت تر از اين كه تمام كاسه و كره هاى ضد انقلاب بر فقط سلطنت طلبان حراب شود. سلطنت طلبان كه با هر نوع انقلاب راديكاليسم مخالف اند و طالبند كه مردم سير از انقلابيگري رويگردان شوند. اس درس. اما اشكال كار هم نبط درهمين است. " اشكال كسارى كه از سوي كشتگريها اما آگاهانه سانه رسالت خرابكاري شان در جبهه كارگري ضعيف ميشود. با اين آغاز كل سروهاى ضد انقلابى به سلطنت طلبان ختمه ميشود. در بعد كشتگريها سروهاى ضد انقلاب و انقلابى از پايگاه طبقاتى شان مسرع ميشوند وكلا در تبين سروهاى سياسى معيار دلخواه، نسبي وغير طبقاتى معمرل مىگردد تا راه براى مانور وتقويت نقل رفرميسم جديد هموار شود.

از همين رواست كه در كل بحثى كه كشتگريها در رابطه با سروهاى سياسى عمل مي آورند، ما نه با شيوه هاى كه ر موضع طبقاتى مشخص حركت ميكنند بلكه با سروهاى فرا طبقاتى رويرو هستيم. سروهاى كه بحر سلطنت طلبان در اپوزيسيون ضد انقلابى قرار ندارند ولذا راه برهنكاري وهما هنگي كشيده است. گزارش سياسى پس از اس آغاز داد مىدهد كه:

" لبرالها و شاخص برس نماينده آنها " بهست آزادى ايران " سروهاى

سازشكاري هستند كه اساس حاكميت جمهورى اسلامى را مي پذيرند وآنگاه در چارچوب اين نظام اصلاحاتى را كه از محسود ه منافع خاص خودشان فراتر نميرود طلب ميكنند. (اما) همين واقعيت كسه لبرالها اساس رژيم جمهورى اسلامى، يعنى مانع اصلى پيشرفت جامعه ما و دشمن اصلى دمكراسى در ايران را مي پذيرند، به تنهائى كافي است تا سازشكاري لبرالها و خود غرضانه بودن آزادخواهى شان، روشن شود "

اسلوب همان اسلوبى است كه زمانى به نوشتن نامه سر كشيده به باررگان، نخست وزير منتخب امام منجر شد. مفروما" هيچ تفاوت اساسى نكرده است. لستدا نتايج نيز همان خواهد بود، كه بود. گيريم زمانى خمينى و جمهورى اسلامى. ز امروز همان مضمون با اشكال وافسرداى ديگر. مفروضات روشن است:

۱ - بورژوازي ايران يك سئروى ضد انقلابى نيست. اين فقط بحس سلطنت طلبان بورژوازي است كه مردم را بيهوش رويگردانى از انقلاب فرامىخواند.

۲ - لبرالها شروئى ضد انقلابى نيستند، بلكه سازشكار وجود غرض اند. از اين مفروضات جزاين چه نتيجه اى عايد ميشود كه با اصطلاح كمونسئهاى سئرون اكترسي هاى كسگري با سداد را سئر سازشكاري لبرالها سئد دور سئده هاى خود غرضى آنان را حسي دارند!

كسگريها حما در انار لستسي خواهند اند كه وي لسرالياى روس را سازشكار وجود غرضى بي ساند. در آسيبگام كه قدرت مطلقه ساسى در دستان سئرار سئانه دولت سئودالى قرار داشت و حامد انقلاب بورژوازي دمكراسى را در سئس روى داشت. و سئرووازي سئسزر آمده اى براى كسرس، لستس لسرالياى را كه با حكومت مطلقه سئرارى اردرسند و سئوارد كشته بودند سازشكار وجود غرض نامند. اما امروز در سئراطى كه قدرت ساسى نه يك قدرت ساسى سئودالى و حامد سئر يك حامد سئانه دارى است كه همين روابط سئانه دارى مانع اصلى سئربت احسانى - سئهادى بحسب سئودامود. استق سازشكاري وجود غرضى سئد بحثى از سئرووازي جز حد سئكدارى سئد سئانه سئانه دارى همچ سئماى ديگرى ندارد. بحث سئود سئرحس سئانه سئد سئورى سئراحل سئهد اس را غرضه سئكد و

در مقابل سرنكوني جمهورى اسلامى دمكراسى ملي را عنوان مي نمايند و كشتگريها به دليل آبروباختگى اين سئزه با يك نقد سئورى، آنچه را كه از در سئيرون ميكنند از پنجره بدورن مي آورند.

در حقيقت مضمون آنچه كه در بخش " در راه همكاري وهما هنگي در مبارزه براى سرنكوني رژيم " در گزارش سياسى مبوب پلنوم هفتم كشتگري ها آمده است، در اساس اريكسو منطبق با سياست " همكاري وهما هنگي " حرب سئوده واكترتيت است و از سوي ديگر با آنچه كه راه كارگر عنوان ميكد. سرفسئظار شكل بيان، همين همكوتى در مضمون است كه كشتگريها رايه اتخاذ " منى تفريت ثقل انقلابى سئون كمونسيت " (يعنى تقويت ثقل رفرميسم جديد) تقويى سئوده و راه كارگر رايه سئحيداز اس " گام كيفا مثبت " به شيوه سئرحورداس " سروهاى كمونسيت " نسبت به سئوزوازي سئچه كسد:

حرب سئوده سئكويد: " تشكيل جبهه سئحد خلق براى خستى كردن سئزلزل ها و سازشكاريهاى سئوزوازي لسرال ضرورى است. رسامه مردم ۱۳۵ "

اكترتيت در گزارش هيات سياسى به پلنوم وسيع كميته مركرى در بخش آراين سئاسى سئيروهاى اپوزيسيون وسياست سئا سئكويد: " حريان سئوزوازي - لسرال گروه ديگر اپوزيسيون است. در طبسغ آنان، هم گروههاى مدهبي و گروههاى غير مدهبي وجود دارند. اين نيرو سئلاش ميكنند كه در اس مبارزات مردم قرار گيرد و سئروى سئوده ها را در جهت اهداف خود غرضانه وسازشكارانه منحرف سئارد."

اكترتيتى هاى كشتگري: " لسرالياى سروهاى سازشكاري هستند (وارساست - قاتلان) نه سئهاى كافي است تا سازشكاري و خود غرضانه سئردن آزادى خواهي شان روشن شود."

وسالخره راه كارگر ميگويد: " رتاج سئوى سئور رژيم خمينى لسرالياى سئوزوازي سئوسط وكوچك را بمراتب نسبت به دوره شاه تقويت كرده وآنان رايه دفاع از دمكراسى سئوزوازي سئوى داده است... در جنگ عليه رژيم خمينى ما مي توانيم سئد سازشهاى با آنان دست بزنيم ز سئرادر آزاديهائى سياسى ذئبغ اند... اين بدان معناست كه عقد سازشهاى موقت سئا آسان سئ منظور سئط قدرت طبقه كارگري ر حبهه اعتدلى دمكراسى سئطور كللى ميباشد. " (راه كارگر - سئوريك يك و راه كارگر ۲۳. مضمون سئوده سئرحرد سئامى اين سئيروها كه



تکاپو برای تقویت ثقل رفرمیسم جدید

نازده "تقویت انقلابیون کمونیست" از سوی کشتگرها هستند بکمان است، هرچند در شکل ارائه آن تفاوتها مشاهده شود. تمامی این نیروها — بورژوازی لیبرال رانیروشی سازشکار و خودغرض ارزبایی میکنند. هرچند راه کارگر در حرف ادعا میکنند که تمامی بخش های بورژوازی فدائی هستند. اما وقتی که پای سیاستهای عملی بمیان میآید، همان تاکتیکها را با ارائه میدهد که سایر نیروهای با داشته ارائه داده اند.

بر مبنای ارزبایی از توان و رسالت نیروهای طبقاتی است که حزب تبوده و اکثریت "جبهه متحد خلق" را پیش میکشند. کشتگرها از نقد موری این جبهه آشکار میکنند و در عمل جبهه متحد خلق را بدون عنوان آن، مطرح میازند. و راه کارگر برای برگردن حفره هولناک ولایت معیبه سازشکاری را با بورژوازی متوسط زکوچک مجاز میداند چرا که این بخش بورژوازی در اهداف سیاسی دستخیز اند.

بر حورد کشتگرها و ایضا راه کارگر و سایر نازده های کشتگرها به نیروهای غیر پرولتری و مترقی نیز بکمان است. در این بخش از آرایش نیروهای سیاسی تمامی این جزئیات مجاهدین را که یک نیروی بورژوازی است، از پایگاه طبقاتی اش جدا میازند و آنرا در راس نیروهای مترقی غیر پرولتری قرار میدهند. این همسان سوایدی است که کار راه حمایت از جمهوری اسلامی ونحن خمینی گشانند. هیچکدام از این نیروها مشخص نمیاازند که بالاخره مجاهدین موضع کدام طبقه و با تشر اجتماعی را سانسنگی میکنند. استخراج نیروهای سیاسی از پایگاه وموضوعی و ضغاسی شان آن نکرد اپورتو سیستی و کاسکارانه ای است که از سوی تمام این گروهها — بدرجات گوناگون — دنبال میشود تا قدرت "ماور" شان که ارزشیبه مرتب بوده است، محدود نگردد.

در گزارش سیاسی مصوب پلسوم اکثریتی های کشتگری در این مسعود سخواسم که : " در خارج از حسیس کسویستی یکی از سروهای مهم اپورسیون برنی حواد سازمان مجاهدین خلق ایران ست "

وقتی که لیبرالهای فدا انقلابی از حنخه ستر اکثریتی های کشتگری نیروی سازشکار وجود عرص ارزبایی شون، بی شک نباید از برنی حوادی مجاهدین سناست

سرروی مهم اپورسیون برنی حواد بر تعجب کرد. با وجود اس سررای ترک بروردهای اپورتوسیستی اکثریتی های کشتگری سهوده نخواهد بود که سلاک ترقی حوادی ومهم بودن را از زبان خودشان بشنوم. گزارش سیاسی می نویسد :

" سازمان مجاهدین در جریان سالهای اخیر بتدریج از موضع دیمکراتیک و رادیکال گذشته فاصله گرفته ومشیای ضد دیمکراتیک در پین گرفته است. رویکردی سارمان مجاهدین از دمکراسی، قبل از هر چیزی حود را یاد شده گرفتس نفس تسمن کننده نوده های مسردم ر سارماندهی مقاومت نوده ای در سیرگویی رژیم وحای اینها اسکا، بدیسروی تشکیکی حود رجما است های سین المللی نشان میدهد. این شی محنتس در برورده قیم ما با به مبارزه مسردم. ز نسین رهبری انطب سوس مردم ایران " وحکومت جانشین به سانسار نوده های، بیان میشود ."

توجه کردید ؟ آخرین نسخه هاش که حتی نیروی همچون اکثریتی های کشتگری هم نمیتوانند آنرا ناذیده نگرد سا ترقی حوادی چه ربط و بیبندی دارد ؟ حتی بر اساس همین اظهارات گزارش سیاسی، ما کدام ملاک ومعیاری مجاهدین سرتوشی بر سواد محرز میشود ؟ آنچه سرروی میسم اپورسیون ترقی حواد !

سهوده است که اگر کمی ز سانسار کند و بخواهد از گزارش سیاسی کسگرها ملاکی را برای ترقی حوادی مجاهدین بسازد. در حقیقت حود مجاهدین با تمام حسیت کشتگرها جانی برای بزک کردندان هم باقی نگذازده اند. با اس هدار عطف نظرا کثرتی های کشتگری مجاهدین، سرتوشی ترقی حوادی و گزارش سیاسی که در مانده است کدام ملاک را بدسین کند بالاخره میکند :

" با اس همه سوم مهم سازشکاری مجاهدین خلق در مبارزه علیه رژیم سومی عرس قابل انکار است در این ساررد سانه به اسکه در سراط حاصر رژیم جمهوری اسلامی مانع اصلی سرتوس سحامه و دشمن اصلی مردم ایران است، دارای بخش سرتی است "

آری، ملاک سافد بد. کسگرها پسر اپورک دور کردن درد ابریه نقد سوری، به همان سغفه ای رسده است که مدنی نقدین سوده، زمانی رژیم شاه مانع اصلی سرتوس

حامه ارزبایی شد بر مبنای مشسی رفرمیستی، از مار رین بر علیه رژیم شاه ونحن آیت الله خمینی حمایت بعمل آمدو تحلیل شد. و سافس ملاک کنونی سرتقی حواد نامیده شد. وحال مجاهد اکثریتی های کشتگری بمنظور انجام مجدد رسالت شان یعنی نفی استنقل طبقاتی کارگران وحفظ نظام سرمایه داری، همان شی گذشته را در قالبی جدید وساسا بازی گراشی جدید تعقیب میکنند .

بر اساس این نقد موری وحقوقی کشتگرها از گذشته است که راه کارگر اعلام میدارد که دیگر نیازی به پای کسوت سیاسی نمی بیند. البته راه کارگر استقاداتی به گزارش سیاسی کشتگرها وارد می آورد اما اس استقادات بهمان اندازه حدی است که بعد کشتگرها از گذشته شان، سراسر وصرف سطر از شکل ارائه معاهم. آنچه که کشتگرها در سواره مهمرس سائل مطرح میازند تفاوت اساسی است آنکه راه کارگر مطرح میکند ندارد. وهمس مسئله است که زمینه عینی تقویت ثقل رفرمیسم جدید را تشکیس میدهد .

بر اساس این ارزبایی مشتکرک از صف سدی سروهای طبقاتی سیاسی، سراط مبارزه ضغاتی و وظیفه عمده این ایام است که حلقه اصلی در نسین انقلاب سر حاصل مسود وبرهم منطبق میگردد .

اکتریتی های کشتگری میکنند : " رژیم جمهوری اسلامی سافس آشکار حق حاکمیت مردم ایران تحت لوای "ولایت فقه" س ترکیب استبداد سیاسی واختناق مذهبی مانع اصلی دیمکراسی در ایران است " اس درست. اما چه قدرت سیاسی باشد جایگزین اس رژیم شود ؟ در اینجا است که مسئله اختلافها واهداف ووظایف انقسو مطرح مسود. برای کشتگرها که نیروهای سیاسی را مسترغ از پایگاه طبقاتی سرتی میکنند وحود را مجاز میدانند سروهای حید سرتک " سده به سراط سلسحن هر دوره و سانسار مشترک معین " برید. مفیزم انقلاب و قدرت سیاسی متناظر با اس سانسار منطبق با مقابله سانسار سازشکاری وجود عرصی بورژوازی لیبرال سسین شود. جسین حیدای ونسودرت سیاسی سناظر با آن هیچ نیست مگس " حیده خلق " و " دیمکراسی ملی " که از سوی حزب سوده و اکثریت سوان میشود .

راه کارگر چه میکند ؟ راه کارگر میگوید که دیمکراسی پرولتری ودیمکراسی بورژوازی هر دو ارجحیه هولناک ولایت فقیه در

گرامی باد یاد رفیق

حمید مؤمنی



سارمان چریکهای فدائی خلق ایران در طول حیات خونبارش رفیقای گرانقدر بسیاری را در راه انقلاب از دست داده است. از جمله رفیقائی که نقش بسزیه در ارتقاء تشوریک سازمان داشت بسنده ومورخ انقلابی فدائی خلق رفیق حمدمؤمنی می باشد.

حمدمؤمنی ریوسس به سازمان در سال ۱۳۵۲ تا سوجه به احاطه در مسائل شوریک مارکسیستی تا تدوین مقالاتی چون " چهار مقاله " در پاسخ به فرست طلبان سورس به. قدمهای سنجیده در راه انقلاب در ستمی و گسرس نظرات سارمان تا شیر سار دانسار همسن رو ساواک شاه هسوارده در سسوی اوسود. بالاخره در روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۲ در زیمان شاه سعادگاه اوزانه محاصره در آورده وسارکبار مسلسل تلت تا لامل ارتس اوسرهائی شریس سمدنده را ارتطیدن سارایستاندند.

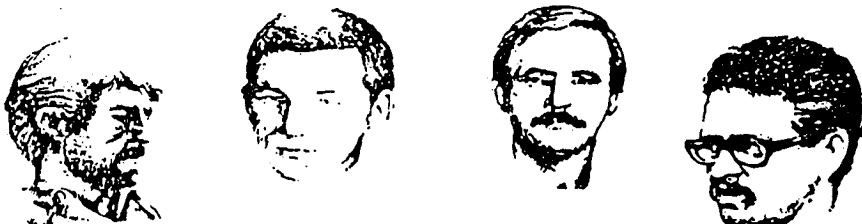
پتک است خون من در دست کارگر
داس است خون من در دست پرزگر



جاودان باد یا دشمنای جانباختگان فدائی در بهمن ماه :

- جهانگیر قلمه میان دو آب (جهان)
- فرشاد مرعشی
- قاسم سیادتی
- حمید مؤمنی
- بابک سیلابی
- خسرو پناهی
- مهدی اقتدار منش
- محمدجواد عرفانیان
- اکبر پاریسی کیا
- سعید امین نورائی
- مسعود رحمتی
- حسن محمدپور
- حسین چوخالچی
- علی نودری
- بهنام قاسمزاده رضوی
- حر رضائی
- ابراهیم کردی
- مراد میررائی
- اسعد یزدانی
- اسماعیل برزگر
- فریدون بانه‌ای
- احمد محمدی
- فاطمه محمدی
- فردوس آقا ابراهیمیان
- خسرو گلرخئی
- کرامت الله دانشیان
- شیرمحمد درخشنده توماج
- عبدالحکیم مختوم
- طوق محمد واحدی
- حسین جرجانی
- حمیدرضا هزارخانی و
- کاوه، حسن، اسکندر،
- بادشان گرامی وراهشان
- پیر رهسرو سجاد

بیاد رهبران خلق ترکمن، رفیقا توماج، مختوم، واحدی، جرجانی



"...شاه در کنار دوستان اسنادهای
در برابر دشت وستاد وشورا
ستاره های ترکمن در آسمان محرا
می درخشیدند
زمانه ترکمن در آئینه رودخانه
محری خوشن بود.



جانان آتش گشودند
رفیقا درنده ما دخلق، رنده ما دشوراها
در عطر خون پیچید
ز خون ما عفتای خوشن
ز "سورت شخان" تا "اسخه بیرون"
و از "گمش سیه" تا "شخ لر" آتش گرفت

نگاه کن ... نگاه کن
اسن در سای پرچم های سرج
که بر دست کودکان ترکمن محرا
به گردش درآمده است.
خون دژوران ترکمن محراس
جون صادان وکسگراس
جون رسن وسوراس
جون آوار زسغان اس
جون آوار جوان بسوس سوماج



آ..... ی
توماج... محموم... واحدی... جرجانی
داس خونین دهقانان، فدائشان خلق
شور خونین صادان، فدائشان خلق

سعید سلطان سورا

یاد رفیق

★ قاسم سیادتی
گرامی باد

در هسسن سال کرد نام ۲۲ بهمن ۵۷
ساد رسن را کرامی سدارم که خود
شمنده سرازش از سراره های سركس آن سنام
عظم بسودای بود.

در ۲۲ بهمن ۵۷ زوری کدیوده های کارگر
وز سسندش آیران سس سارج سراسسه
پردش و آتش انقلاب از سمد حاز پانسه
سیکشید و رندا سها و یادگانهای نظامی
رژیم شاه یکی پس از دیگری توسط
سوده ها فرو سیر سسند. رفیق قاسم سیادتی
سادل جان حوسن سس سرج فدائی را سبر
تارک سس حدای رادیو سهران، توسط
سوده ها حاکم کرد. کله له مردوران رژیم هنگامی

رستاخیز سپاهکل

در مرصه تاریخ مبارزاتی توده‌ها همواره نقاط عطفی وجود دارند که از سوشی ناسی از شرایط و نیاز مبارزه طبقاتی است و از سوشی دیگر این نقاط عطف اثری شکوف در ارتقاء کیفی و بنیادین مبارزه توده‌ها علیه نظم کهن و مضمحل شونده، اما همچنان دست و پاگیر دارند.

تاریخ مبارزاتی توده‌های کارگر و زحمتکش ایران نیز از این امر مستثنی نبوده است. از جمله رویدادهای تاریخی و نقطه عطف دهه‌های اخیر حماسه سپاهکل می باشد.

۱۶ سال پیش در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ گروهی فدائی جان برکف با عشق عظیم و بی پایان به آرمان طبقه کارگر، سوسیالیسم، در جهت تسریع و تسهیل امر مبارزه طبقاتی کارگران یعنی ایجاد سازمانی پرولتری و کمونیستی، سازمانی رزمنده جهت رهبری کارگران و زحمتکشان در تمامی عرصه‌ها برای سرنگونی رژیم سرما به داری حاکم بر ایران، با اقدامی بغایت انقلابی و تند رآ و کم نظیر در جنگلهای سپاهکل شعله فروزان سوسیالیستی سرافروختند که نه تنها بیان فوران خشم فروخته کارگران و زحمتکشان، بلکه آغاز نبردی سخت، طولانی و دوران ساز برای سرنگونی حاکمیت سرما به داری و برپاشی دیکتاتوری پرولتاریا و ایجاد جامعه‌ای سوسیالیستی بود.

با حماسه سپاهکل رفقای فدائی علی اکبر مفاشی، فراهانی، جلیل‌بهرادی، احمد فرهودی، اسکندر رحیمی، هوشنگ سیری،

در صفحه ۱۱

گرامی باد یاد رفقای فدائی:



کاوه



حسن



اسکندر



که در دفاع از مرکز فرستنده رادیوشی

قهرمانانه جان باختند!

پتك است خون من در دست کارگر
داس است خون من در دست برزگر



جاودان با دبا دتمامی جانباختگان فدائی در بهمن ماه:

رفقای:

- « ابراهیم پوررضا خلیق
- « سید بیان
- « فتحعلی پناهیان
- « محمدطاهر رحیمی
- « منیژه اشرف زاده کرمانی
- « محسن بطحانی
- « محمدپیرزاده جهرمی
- « مسعود پرورش
- « فاطمه ابورنیا
- « جعفر محسنی
- « معطفی دعیق همدانی
- « ابوبکر فصلی کتدم
- « کیویز سحری
- « حسن فرجودی
- « احمد رضائی
- « محمد رمزی
- « محمود امین زاده
- « سید حمید رهی
- « کاروان رهگذر

بهمن ماه سرج سرج و سگر همدسرس
ماه در تاریخ حسن ابفدائی کارگران
و زحمتکشان ایران است.

بهمن ماه مبارزه و مقاومت حماسه
و جان باختن است. بهمن ماه فریاد است
و آتش، ماه غرور و رعد آسای سپاهکل، ماه
غرور آفرین قیام تبریز، ماه آس و نشان
قیام ۵۷، ماه سلاح برگزین سزدها، ماه
سکور سپردن رژیم ناسفاهی زمان دفاع
حسروانه ارمان کارسای کارگران رنیرساد
برخیز و زحمتکشان است.

بر بزرگ برگ نفوس بهمن ماهی داور حاطرات
گرافقدری از حماسه آفرینی جای دسروانه
سبازی ار فدائیان است. که در راه محس
آرمان کارگران و دفاع از مساع زحمتکشا
بها خاستند و جان در راه سزدها کردند.
رفقای که با خون جود در جاتفتن را
آبپاری کرده اند. همراه سناد سفاشی
جانباختگان راه رهائی، دمکراسی و
سوسیالیسم باد رفقای جان باخسند در
این ماه سرج را کرامی سزاییم.

صدای فدائی

۸/۵ تب روی موج کوتاه

ردیف ۷۵ متر

۶ صبح و ۱۲/۵ روز بعد

در صفحه ۲۱

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق